



دوشنبه ۱۲ آبان ۱۳۶۵ برابر ۲ نوامبر ۱۹۸۶
بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۳۱

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره تهاجمات رژیم از فدائیان خلق حمایت کنید!

هم مبهتان مبارزا

سازمانهای انقلابی، ترفیخواه و میهن پرست ا رژیم تبهکار و خونریز خمینی در ادامه تلاشهای اهریمنی اش برای سرکوب مبارزات مردم و نابودی سازمانهای انقلابی و ترفیخواه ایران، از مدتی پیش یورشهای تازه ای را به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آغاز کرده است. سپاهیان و مزدوران رژیم همه امکانات خود را در تهران و شهرستانها بکار انداخته اند تا مگر با این تهاجم جدید رهبران، کادرها و اعضای سازمان را ردگیری و اسیر کنند و فعالیت انقلابی ما را که در سراسر کشور جریان دارد، متوقف نمایند. در نتیجه این تلاش های فاشیستی به چند واحد سازمانی ما در تهران و شهرستانها ضربه وارد شده و عده ای از کادرها و اعضا سازمان ما اسیر گشته اند. ساواک خمینی فدائیان بازداشت شده را به منظور کسب اطلاعات از تشکیلات و فعالیت سازمان زیر شکنجه شدید جسمی و روانی قرار داده و جان آنها در معرض خطر جدی است. رژیم خمینی که به خوبی از رزمندگی سازمان ما و محبوبیت آن در میان مردم مبارز ایران آگاه است، همچنین با تکیه بر شکنجه های جسمی و روانی شدید تلاش می کند تا شاید از میان رفقای اسیر ما کسانی را در هم بشکند و بر آنها ضربه معنوی وارد آورد. رژیمی که سرتاپا در بحران و فساد و خون غرق شده و کوس رسوایی آن در هفت اقلیم جهان به صدا در آمده است بیخردانه گمان دارد از بقیه در صفحه ۱۲

زنجیره کشاکشها

از دستگیری سید مهدی هاشمی تا مساله جانشینی خمینی

غیرقانونی ۵ - تنهه اری اسناد محرمانه دولتی ۶ - جعل اسناد دولتی ۷ - فعالیت مخفی غیرقانونی. با توجه به جو سازی هایی که از باقی ماندگان این گروه در جهت تخریب اذهان و اختلاف می نمایند، خواهشمند است در رابطه با رسیدگی جدی به کلیه اتهامات این گروه توسط وزارت اطلاعات نشر مبارک خود را اعلام فرمایید.

در روز ۵ آبان با قرائت نامه ری شهری وزیر اطلاعات (ساواک جمهوری اسلامی) به خمینی در رادیوی حکومتی، کاملا آشکار گردید که حادثه دستگیری سید مهدی هاشمی و "تعدادی از مرتجعین با او" دارای آنچنان اهمیتی است که شخص رئیس ساواک نیز قادر به تصمیم گیری در مورد آن نبوده و دخالت شخص خمینی را می طلبد. متن نامه ری شهری به خمینی چنین است:

"رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی، سلام علیکم. چنانچه مستحضرید سید مهدی هاشمی و تعدادی از مرتجعین با او به حکم قوه قضائیه و با اطلاع و نظر حضرت عالی دستگیر و اکنون جهت تحقیق و بازجویی در اختیار وزارت اطلاعات می باشند. بخشی از اتهامات آنان عبارت است از: ۱ - قتل پیش از پیروزی انقلاب ۲ - قتل و آدم ربایی پس از پیروزی انقلاب ۲ - همکاری با ساواک، که این اتهام مربوط به سید مهدی هاشمی می شود ۴ - تنهه داری لاجه و مواد منفجره بطور

معتمد ری شهری وزیر اطلاعات - ۴ آبان ماه ۶۵ -
خمینی به نامه رئیس ساواک خود، چنین پاسخ داده است:

"جناب حجت الاسلام آقای ری شهری، وزیر اطلاعات. با توجه با مائلی که تا کنون کشف و با مورد سوئال واقع شده است و با توجه به جو سازی ها و اطلاعیه هایی که با اسامی مختلف توسط افراد ضد انقلاب و منحرف و وابسته به مهدی هاشمی طرح گردیده است که نه تنها سوئال را بیشتر می کند که خود دلیل مستقلی است بر خط انحراف از انقلاب و بقیه در صفحه ۶

طنین فریاد صلح خواهی مردم ایران در «کنگره جهانی صلح»

* رفیق مهدی فتاحپور: جنگ و سرکوب دو وجه عمده سیاست رژیم ایران و صلح و آزادی دو خواست اصلی مردم ایران در شرایط کنونی است.

* رفیق رقیه دانشگری: وضعیت فاجعه بار زنان در ایران، آشکارترین جلوه اعمال دیکتاتوری خشن مذهبی از جانب رژیم جمهوری اسلامی است.

خودهایی عظیم نیروهای صلح دوست از پنج قاره جهان شرکت کرد. رفیق مهدی فتاحپور عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی و رفیق رقیه دانشگری عضو کمیته مرکزی، سازمان در این هیات حضور داشتند. اعضای هیات نمایندگی سازمان در مراکز موضوعی این کنگره: صلح و حقوق بشر، حل مسالمت آمیز درگیری های منطقه ای و همبستگی متقابل میان جنبش های صلح، دفاع از حقوق بشر و حقوق زنان، پیشرفت و استقلال ملی به خنراخی پرداختند.

در روزهای یازدهم تا نوزدهم اکتبر، کنگره جهانی جمعیت ها و سازمان های صلح در کینفاک، پایتخت دانمارک برگزار شد. این کنگره که به مناسبت سال بین المللی صلح و با شعار "حفظ صلح و آینده بشریت" برگزار شد از اهمیت بین المللی خاصی برخوردار بود. همان گونه که در شماره ۱۲۹ نشریه اکثریت نیز درج شد در این کنگره ۲۲۰۰ نماینده از سازمان ها و جمعیت های پیشرو و صلح دوست کشورهای مختلف جهان حضور داشتند. از سوی سازمان ما، یک هیات نمایندگی در این

بقیه در صفحه ۲

کار دمکراتیک در میان توده ایرانیان خارج از کشور

"آموزش دهنده" به مقاله کیهان هوایی می پردازیم. کیهان هوایی، در مقاله خود بیش از هر چیز به نظر مامینی بر ضرورت سازمانیابی دمکراتیک توده ایرانیان در خارج از کشور، حمله برده است. آیا این امری اتفاقی است؟ جمهوری اسلامی از آن هراسان است که توده های بی سازمان، متشکل شوند و مبارزه همگانی و هدفمندی را علیه رژیم ارتجاع پیش برند. کیهان هوایی، ارکان جمهوری اسلامی در خارج از کشور که از سوی وزارت اطلاعات هدایت می گردد، برای حمله بردن به نظر مامینی بر ضرورت شکل های دمکراتیک زاویه ظریفی را برگزیده است. زاویه ای که متأسفانه تا حدود زیادی با فضای فعلی جنبش، همخوان است. بگذارید حقیقت تلخی را ابراز داریم: اگر ابتدا عباراتی را کیهان هوایی در مقاله

مقاله "ایرانیان در خارج از کشور: واقعیت ها، پیشداوری ها، ضرورتها"، مندرج در "اکثریت" ۱۱۸، از یکسو بحثهای سازنده ای را برانگیخته و از سوی دیگر، واکنش های خصمانه ای را به دنبال آورده است. جمهوری اسلامی خود در برابر این مقاله موضعی گرفته است. کیهان هوایی ۱۶ مهر ۱۳۶۵ در مقاله ای با عنوان "بی هویتی در غربت"، سرنوشته گریزناپذیر" مقاله نشریه ما را به اصطلاح نقد کرده است. زاویه واکنش جمهوری اسلامی در برابر دیدگاه ارائه شده در مقاله "اکثریت"، خنثی هادی مهمی است که می تواند نشان دهد دشمن از چه هراسان است. ما نوشته کیهان هوایی را، مقاله "آموزنده" ای ارزیابی می کنیم. دشمن خود به ما می آموزد که نقطه ضعفش کجاست و از کدامین سو با کدامین نیرو و جبهه ارتجاع باید مورد حمله نیروهای انقلابی قرار گیرد. ما در اینجا از این زاویه

بقیه در صفحه ۷

در این شماره

- فراخوان مشترك به «کنگره جهانی صلح» در صفحه ۲
- طرح دخالت ترکیه و پنتاگون در جنگ ایران و عراق در صفحه آخر
- سفرهای خارجی تیم های ورزشی ممنوع شد در صفحه ۱۲
- طرح رنج يك چهره در صفحه ۱۱

طنین فریاد صلح خواهی مردم ایران در «کنگره جهانی صلح»

بقیه از صفحه اول

صلح و حقوق بشر

برنامه کنگره صلح در روز ۱۶ اکتبر، به بحث پیرامون همبستگی متقابل میان جنبش‌های صلح، دفاع از حقوق بشر و حقوق زنان، پیشرفت و استقلال ملی اختصاص داشت. مباحث نمایندگی سازمان در زمینه صلح و حقوق بشر که در تمام روز ۱۶ اکتبر موضوع گفتگو بود به انعکاس مسایل ایران و مواضع سازمان پیرامون مسبب اصلی نقض حقوق بشر در سراسر جهان پرداخت. رفیق مهدی فتاویور در سخنرانی خود در این مرکز که بسیار مورد توجه واقع شد، ابراز داشت:

"من از طرف مردم کشوری صحبت می‌کنم که ارتباط متقابل مبارزه برای صلح، حقوق بشر، حقوق زنان و دمکراسی به مفهوم وسیع کلمه را عمیقاً و به روشن‌ترین وجه احساس می‌کنند. از طرف کشوری که ۶ سال جنگ خونین و وحشتناک را پشت سر گذارده است؛ جنگی که هیچ خانواده‌ای در ایران نیست که یکی از عزیزان خود را در آن از دست نداده باشد؛ جنگی که جبران خسارات اقتصادی آن به ده‌ها سال زمان نیاز خواهد داشت. در کشور ما، ابتدایی‌ترین حقوق انسان‌ها لگدمال می‌شود و ده‌ها هزار زندانی سیاسی تحت شکنجه قرار دارند. زنان به‌عنوان نیمه انسان محسوب می‌شوند و هیچ گونه حقی برای ملیت‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شود. سالهاست که مردم کردستان به‌خاطر خواسته‌های ملیشان به خونین‌ترین شکل سرکوب می‌شوند. در کشور ما مبارزه برای صلح و دمکراسی در ارتباطی جدایی ناپذیر با یکدیگر قرار دارند."

رفیق فتاویور در ادامه سخنرانی خویش ضمن تأکید بر حق زندگی کردن در صلح، به‌عنوان مقدم‌ترین و پایه‌ای‌ترین حق انسان و این که در صورت بروز فاجعه یک جنگ جهانی، نشانی از زندگی و تمدن باقی نخواهد ماند، ابراز داشت: طبیعتاً بزرگ‌ترین دشمنان حقوق بشر کسانی هستند که باردهم‌ه‌ها طریقه‌های منطقی و ممکن برای محدود کردن سلاح‌های هسته‌ای و کشاندن مسابقه تسلیحاتی به فضای کیهانی صلح جهانی را به مخاطره می‌افکنند.

رفیق فتاویور در پایان سخنان خویش در زمینه سیاست‌های حکومت

ایران گفت: "رژیم جمهوری اسلامی از یک سو برای حفظ قدرت و سرکوب اپوزیسیون بر ادامه جنگ فاجعه‌بار و بی‌معنا با عراق پافشاری می‌کند و از سوی دیگر برای پیشبرد مشی جنگ افروزان خود، پیوسته بردامنه و شدت سرکوب مردم می‌افزاید. جنگ و سرکوب دو وجه عمده سیاست رژیم ایران و صلح و آزادی دو خواست اصلی مردم ایران در شرایط کنونی است."

در روز ۱۷ اکتبر اعضای هیات نمایندگی سازمان و نیز نمایندگان "شورای صلح ایران" در اجتماع مربوط به حل مسالمت آمیز درگیری‌های منطقه‌ای شرکت کرده و به سخنرانی پرداختند. مباحث این مجمع حول علل بروز و چگونگی پایان دادن به درگیری‌های منطقه، تا ساعت ۸ شب ادامه یافت در گزارش پایانی هیات رئیسه، بر توقف فوری جنگ ایران و عراق، که از سوی تمامی شرکت کنندگان تأیید شده بود، تأکید مجدد گردید.

حل مسالمت آمیز

درگیری‌های منطقه‌ای

از سوی رفیق مهدی فتاویور سرپرست هیات سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در کنگره جهانی صلح سخنرانی دیگری در مرکز "حل مسالمت آمیز درگیری‌های منطقه‌ای" انجام پذیرفت. در این سخنرانی رفیق فتاویور اظهار داشت: "موضوع مورد بحث یعنی جنگ‌های منطقه‌ای توجهی ویژه به جنگ ایران و عراق را می‌طلبد. خونین‌ترین درگیری منطقه‌ای سال‌های اخیر جهان هم اکنون میان دو کشور ایران و عراق جریان دارد. نه مردم ایران و نه مردم عراق هیچ‌یک خواستار این جنگ نبوده و نیستند. این جنگ به تحریک کشورهای امپریالیستی توسط رژیم عراق آغاز شد و رژیم خمینی آن را ادامه داد. امروز رژیم خمینی با پافشاری و اصرار در ادامه جنگ همه تلاش‌های نیروهای صلح دوست جهان را عقیم گذاشته و مسبب اصلی ادامه جنگ است."

رفیق مهدی فتاویور در ادامه سخنان خود ضمن تشریح مصایب جنگ ایران و عراق، ابعاد منطقه‌ای و جهانی این جنگ را متذکر شد: "در سطح منطقه این جنگ به‌عنوان بهانه‌ای

نابرابری حقوق آنان برپایه تبعیضات خشن جنسی، تحمیل شیوه‌های عقب مانده زندگی فردی و خانوادگی به زنان، از جمله تحمیل حجاب اسلامی و چندهمسری و ازدواج‌های موقت، مانعت از ایجاد هر گونه سازمان مستقل زنان و مداخله در کوچکترین امور مربوط به زندگی خصوصی خانواده‌ها، به خشن‌ترین شیوه‌های سرکوب جنبش انقلابی و دمکراتیک زنان ایران متوسل می‌شود."

رفیق رقیه دانشگری در پایان سخنرانی خود خطاب به زنان آزادیخواه جهان اعلام داشت: "زنان ایران برای غلبه بر رژیم قرون وسطایی، برای دستیابی به حقوق خود، برای از بین بردن موانع بر سر راه رشد شخصیت اجتماعی و سعادت خانوادگی‌شان به حمایت‌های باز هم بیشتر همستران و هم‌زمان خود در جهان نیاز دارند. از مبارزه



رفیق مهدی فتاویور در حین سخنرانی در کنگره جهانی صلح

مهم‌ترین مسایلی است که فرا روی نیروهای صلح دوست جهان قرار دارد."

زنان و پیشرفت اجتماعی

هیات نمایندگی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در جریان مباحث مرکز زنان و مرکز جوانان نیز حضور فعالی داشت. رفیق رقیه دانشگری در مرکز زنان، تحت عنوان زنان و پیشرفت اجتماعی، سخنرانی پرشوری ایراد کرد. وی در تشریح وضعیت زنان ایرانی در بخشی از سخنان خود ابراز داشت: "در ایران بر اثر حاکم شدن رژیم مرتجع آخوندها، وضعیت زنان در جامعه از آن‌چه که بود تیره‌تر شده است. رژیم خمینی پایه پای ایجاد محدودیت‌های تظلی و تحصیلی برای زنان و دختران جوان، تشدید

گردهمایی بزرگ صلح

روز ۱۹ اکتبر اجلاس عمومی اختتامیه کنگره جهانی صلح تشکیل شد و گزارش کارمراکز موضوعی، زنان، جوانان، مرکز اتحادیه‌های کارگری و کارگاه‌ها به استماع حضار رسید و کنگره جهانی صلح با سرود "ما پیروز می‌شویم" به پایان رسید. شرکت کنندگان در کنگره در راهپیمایی بزرگ نیروهای صلح دوست دانمارک شرکت کردند. آغاز راهپیمایی "گردهمایی بزرگ صلح" با سخنرانی چند تن از نمایندگان کنگره همراه بود. رفیق رقیه دانشگری نیز به‌عنوان میهمان رسمی مرکز زنان کنگره، برای شرکت کنندگان در راهپیمایی سخنرانی نمود و به‌طور مشروح

فراخوان مشترك به «کنگره جهانی صلح»

در آستانه برگزاری "کنگره جهانی صلح"، حزب توده ایران، کنگره انتشار دادند. در بخشهایی از سازمان فداییان خلق ایران آن آمده است:

(اکثریت) و حزب کمونیست عراق "به نمایندگی کورنیستهای ایران و عراق، گرم ترین درودهای نیروهای صلح دوست ایران و عراق را به شما تقدیم می‌داریم و موفقیت "کنگره جهانی" را در پیشبرد امر خلع سلاح و صلح آرزو مندیم.

مایلم، که توجه شما را به جنگ ایران و عراق جلب کنیم... جنگ، منطقه خلیج فارس را، که از حساسیت استراتژیک فراوان برخوردار است، به کانون تنش بدل کرده و امکان مداخله خارجی را افزایش بخشیده است. این جنگ تهدیدی جدی برای صلح جهانی بشمار می‌رود و ادامه آن تنها بسود امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع است.

رژیم های "تهران" و "بغداد" از جنگ برای تشدید سیاست سرکوبگری خود بهره می‌جویند. ده‌ها هزار میهن‌دوست ایرانی و عراقی در یبندند و وحشیانه شکنجه می‌شوند. بسیاری از آنها اعدام شده‌اند و یا زیر شکنجه جان باخته‌اند. صدها هزار عراقی و ایرانی در تبعید و مهاجرت اجباری بسر می‌برند. قربانیان اختناق بخش‌های وسیعی از مبارزان شد جنگ را در بر می‌گیرند.

رژیم عراق در جریان جنگ و با نقض ننگین معاهده‌های بین‌المللی به کار بست جنگ افزارهای شیمیایی دست زده است. اقدامی که شورای امنیت سازمان ملل آنرا محکوم ساخت. هر دو رژیم، همواره با کشتار مردم غیر نظامی قوانین بین‌المللی را نادیده می‌گیرند.

رژیم ایران هزاران کودک و نوجوان را به جبهه‌های جنگ کسپل می‌دارد.

با توجه به واقعیات نامبرده، شما را به طلب خواسته‌های زیر فرامی‌خوانیم:

- پایان بیدرتنگ جنگ ایران و عراق بر پایه مذاکره، تشمین حاکمیت ملی و استقلال دو کشور و آزادی مردم ایران و عراق در تعیین سرنوشت خویش؛
- پایان نقض حق بشر از جانب رژیم‌های مستبد ایران و عراق، از جمله سرکوب نیروهای ضد جنگ،
- فرستادن مبیات‌های ملی و بین‌المللی به دو کشور برای تحقیق درباره موارد نقض حقوق بشر و قوانین بین‌المللی

بادرودهای دوستانه،
حزب توده ایران
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
حزب کمونیست عراق
اکتبر ۱۹۸۶

باتشبات تبلیغاتی رژیم در جهان مقابله کنیم

جزوات و بروشورهای افشاگرانه در مورد وضعیت زنان ایران را در اختیارشان نهادند. این روزنامه‌ها با انتشار بخش‌هایی از آن مغالطه، وضعیت واقعی زن ایرانی را منعکس کردند تا دروغ‌بافی‌های نماینده جمهوری، اسلامی خفتی شود.

* در تاریخ ۲۱ سپتامبر سال جاری روزنامه انگلیسی زبان "پدایت" چاپ دهلی از خبرگزاری جمهوری، اسلامی خبری را نقل کرد که در آن ادعا شده بود زندانیان سیاسی زن در ایران آزاد شده‌اند. واکنش زنان فدائی در هند بیدینسورت بود که طی نامه‌ای به سردبیر، این دروغ پشیمانانه را فاش کرده و تمهیقات قرون وسطائی علیه زنان را تشریح نمودند.

نامه زنان فدایی در تاریخ دوم اکتبر در تیرویوت به چاپ رسید. در آن نامه حقایقی در برابر مردم هندوستان نهاده شد که با سرشت حکومت فقها بی‌تانه‌اند. در بخش‌هایی از این نامه که با استقبال پرتیوت مواجه شد، چنین می‌خوانیم:

"جهانیان نیک آکامند که در جمهوری اسلامی زن شهروند درجه دوم محسوب می‌شود. آنچه در جمهوری اسلامی بر سر زنان آمد و می‌آید، اگر روزی به تحریر درآید قطعاً یکی از دردآورترین تراژدی‌های تاریخ بشری را خواهد ساخت...

زندانانان و شکنجه‌گران رژیم به بهانه‌های شرعی در حق دختران جوانی که به اعدام محکوم می‌شوند، مرتکب بی‌شرمانه‌ترین و غیر اخلاقی‌ترین اعمال می‌گردند.

در بخش‌های دیگری از این نامه ضمن اشاره به طرح ایجاد اردوگاه‌های ویژه برای زندانیان ساختن زنانه که به اتهام عدم رعایت حجاب تمام عیار اسلامی دستگیر می‌شوند و ارائه ارقامی پیرامون موقعیت سنی زنانه که به دست دژخیمان رژیم خمینی اعدام شده‌اند، آمده است: "رژیمی که اوباشان و چماق به دستش در معابر عمومی به روی زنان اسید می‌پاشند، تیغ می‌کشند و... به ضرب و شتم می‌پردازند، رژیمی که زنان را به جرم عدم رعایت حجاب با ۷۴ ضربه شلاق در انتظار مردم در کوچه و خیابان تنبیه می‌کند... چگونه می‌تواند دم از آزاد کردن زنان سیاسی از زندان بزند؟"

حکومت جمهوری اسلامی که بیش از پیش در برابر افکار عمومی جهانیان منزوی می‌شود، بمنذور برده‌بوشی جنایات خود علیه مردم ایران و بویژه زندانیان سیاسی میهن‌ها، اخبار و اطلاعات دروغین در اختیار رسانه‌های جهان قرار می‌دهد تا از تاثیر بازتاب حقایق دردناکی که در کشور حتم زده مارخ می‌دهد، در عرصه کبیتی بکاهد. دروغ‌برائتی‌های رژیم در بسیاری مواقع با اعزام مترسک‌های تبلیغاتی و ترتیب دادن کنفرانس‌های مطبوعاتی در نمایندگی‌های، آن در خارج بی‌گیری می‌شوند. و البته در این زمینه نقش اساسی برعهده رسانه‌های گرمی جمهوری اسلامی است که هر روزه به انعکاس بی‌ترمانه جنینات جهت خنثی کردن فعالیت‌های افشاگرانه نیروهای انقلابی ایران در داخل و خارج از کشور، دست می‌زنند.

رژیم تبلیغات خود را در سطح جهان گسترش می‌دهد و با صرف هزینه‌های هنگفت و بهره‌گیری از اشکال متنوع تبلیغاتی می‌کوشد از شدت اثرچار جهانی نسبت به خود بکاهد. این حقیقت که رژیم در خرد افکار عمومی جهان رسوا شده است نباید باعث بی‌توجهی به این تبلیغات گردد. باید در راستای فعالیت‌های افشاگرانه، مدارا و پیگیرانه فریب کاریهای رژیم را در سطح جهان بر ملا ساخت. دو نمونه از اینگونه اقدامات رژیم و واکنش مسئولان فدائیان خلق در برابر آن را از هندوستان گزارش می‌کنیم:

* چندی پیش زهرارهنورد (مسر میرحسین موسوی) برای خنثی ساختن افشاگریهایی که علیه جمهوری اسلامی صورت گرفته بود به هندوستان رفت. در آنجا مسئولین کوشیدند خبرنگاران رسانه‌های جمعی را در مصاحبه مطبوعاتی زهرارهنورد شرکت دهند. فدائیان خلق پیشاپیش با این رسانه‌ها تماس گرفته و اهداف ارتجاعی وی را توضیح دادند. در نتیجه مصاحبه با حضور تعداد اندکی از خبرنگاران انجام شد. و قتیکه دوسه روزنامه هندی گوشه‌هایی از سخنان رهنورد را مبنی بر "حمایت زنان ایران از جنگ" بازتاب دادند، فدائیان خلق به دفاتر این روزنامه‌ها مراجعه کرده و ضمن توضیحات مستدل

کشور آفریقایی ملاقات‌هایی انجام داد.

در مرکز نمایشگاه‌ها، از سوی فدائیان خلق در دانمارک غرفه‌ای برپا گشته بود که مورد بازدید جمع‌کنیری، از نمایندگان شرکت کننده در کنگره قرار گرفت. ۲۵۰ تن از نمایندگان از سوی مبیات‌های نمایندگی خود و با شخصاً، فرم محکومیت ادامه جنگ ایران و عراق و اختناق در ایران را امضا کردند. در غرفه فدائیان خلق و مرکز زنان، نمایشگاه‌های عکس ضد جنگ دایر شد و دو مجموعه اسلاید پیرامون ضایعات جنگ و وضعیت زنان در ایران به نمایش گذاشته شد. فدائیان خلق ایران (اکثریت) - دانمارک در تدارک این کنگره همگام با فعالین جنبش صلح دانمارک کوشش بسیار نمودند و در اجرای بخش‌های مختلف تدارکاتی و اجرای کنگره مسولیت‌های متعددی برعهده داشتند.

واقعیات هولناک موجود در کشور ما را تشریح کرد.

* * *

در جریان کنگره جهانی صلح مبیات نمایندگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ملاقات‌های مهمی با نمایندگان حزب کمونیست دانمارک، دبیرکل حزب سوسیالیست مردمی دانمارک، مبیات‌های نمایندگی حزب کمونیست عراق، کانادا، بنکلادش، حزب کمونیست اردن، کمیته صلح شوروی و حزب سوسیالیست کردستان ترکیه به انجام رساند و در مصاحبه‌های مطبوعاتی متعددی شرکت نمود. علاوه بر این رفیق رفیه دانشتری با نمایندگان زنان مترقی و دمکرات کشورهای عراق و ترکیه، نماینده تشکیلات دمکراتیک زنان فلسطینی و نمایندگان سازمان‌های زنان چندین

وزیر امور خارجه اتحاد شوروی خواستار قطع سریع جنگ ایران و عراق شد.

ادوارد شوارز نادزه عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست و وزیر امور خارجه اتحاد شوروی طی دیداری با حیرانی نوبری سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد شوروی خواستار قطع سریع و بلادرنگ جنگ ایران و عراق شد. رادیو مسکو در تفسیری پیرامون دیدار وزیر امور خارجه اتحاد شوروی و سفیر جمهوری اسلامی تصریح کرد: "حل سیاسی و مسالمت آمیز مساله مربوط به جنگ ایران و عراق که بیش از ۶ سال است ادامه دارد، بیش از پیش اهمیت مبرم پیدا می کند و ضروری می شود." در تفسیر رادیو مسکو، از گسترش تشنج در منطقه ابراز نگرانی شده و تاکید گردیده است: "یک چنین سیر حوادثی کاملا باب طبع امپریالیست های آمریکاست. آن ها از موقعیت کنونی به عنوان بهانه ای جهت افزایش حضور نظامی خود، از جمله حضور هسته ای در خلیج فارس استفاده می کنند."

رادیوی جمهوری اسلامی روز ۷ آبان که خبر دیدار ادوارد شوارز نادزه و سفیر جمهوری اسلامی را منتشر کرد از بازتاب موضع گیری وزیر امور خارجه اتحاد شوروی درباره جنگ اجتناب ورزید.

اجاره واحدهای صنعتی به انحصار آلمان فدرال

خبرگزاری آلمان فدرال از بن گزارش داد که در جریان دیدار بهزاد نبوی از آلمان فدرال، وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی اظهار امیدواری کرده است که روابط اقتصادی جمهوری اسلامی و جمهوری فدرال آلمان گسترش یابد. در این گزارش تصریح شده است که طرح اجاره واحدهای صنعتی کشور به آلمان فدرال نیز در جریان مذاکرات طرفین مورد بحث قرار گرفت. بر اساس این طرح که "بای بک - اگریمنت" نام دارد، جمهوری اسلامی تعهد می کند در ازای دریافت مواد اولیه و لوازم یدکی، بخشی یا تمامی محصولات تولید شده را به کشور طرف قرارداد تحویل دهد. از سوی دیگر خبرگزاری آسوشیتد پرس از نیکوزیا گزارش کرد که جمهوری اسلامی با انعقاد یک قرارداد ۱۴۰ میلیون مارتی ۱۶ کشتی ماهیگیری از آلمان فدرال خریداری کرده است.

خامنه ای: روحانیون پلیدی قصد تضعیف ارتش را دارند

کیهان هوایی ۷ آبان - حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور رژیم در مراسم جشن فارغ التحصیلی دانشکده فرماندهی و ستاد نیروی هوایی، طی سخنانی ضمن دلجویی از پرسنل ارتش فاش ساخت که بین

ارتش و روحانیون، اختلافات جدی بروز کرده است. خامنه ای در این مراسم اظهار داشت: "شما هیچگاه خیال نکنید که برادران روحانی نقش فرماندهی را دارند. آن ها برای تعیین مفاهیم اسلامی و تقویت ایمان و اعتقاد و روحیه در بین شما به کار پرداخته اند." خامنه ای پرسنل ارتش را به همکاری و همیاری با روحانیون و دوابر عقیدتی - سیاسی دعوت کرد. رئیس جمهور رژیم در ادامه سخنان خود ضمن اشاره به حساسیت مقطع کنونی گفت: "امروز کشور و جامعه ما از یک پیچ تند و خطرناک در حال عبور است." خامنه ای به "وجود عناصر بدخواه و بدبین و خائنی" اشاره کرد که به منظور تضعیف نیروهای مسلح تلاش می ورزند و تصریح کرد "در مقدس ترین فشر که لباس روحانیت بر تن دارند گامی اوقات پلیدی ترین آدم ها پیدا می شوند."

کارگران غیر ماهر باز خرید می شوند

کیهان ۵ آبان - حبیب الله عجایی معاون امور اجتماعی و اشتغال وزارت کار در یک گفتگوی اختصاصی با کیهان اعتراف کرد که در کارخانه های کشور امر باز خرید کارگران که به "باز خرید اجباری" شهرت یافته است، اعمال می گردد. نامبرده در برابر سوال خبرنگار کیهان که پرسیده بود: "در حال حاضر با توجه به شرایط نوبین اقتصادی دیده می شود که برخی از کارخانه ها اقدام به باز خرید کارگران خود کرده اند" پاسخ داد: "هر مدیری به این

بقیه در صفحه ۱۴

خبرهای جنگ

بمباران پالایشگاه باختران

هواییهای عراق هفته گذشته دوبار در آسمان شهر باختران ظاهر شدند و اقدام به بمباران پالایشگاه این شهر نمودند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی خبر حمله جنگنده بمب افکن های عراق را به یک واحد صنعتی در باختران تایید کرد. در جریان حمله هوایی عراق به شهر باختران، علاوه بر پالایشگاه این شهر، یک بیمارستان و یک مدرسه نیز مورد هدف جنگنده های عراقی قرار گرفتند. گزارش های اولیه حاکی از آن است که در جریان این حمله بیش از ۲ نفر کشته و نزدیک به ۵۰ نفر دیگر مجروح شده اند.

سختکوی ارتش عراق در ضمن اعلام کرد که پادگان نظامی شهر شوشتر رانیز بمباران کرده است. خبرگزاری آسوشیتد پرس که این خبر را منتشر کرده اعلام داشته که تعداد کشته شدگان حملات هوایی دو روزه عراق به ایران ۲۲ نفر بوده است. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی نیز هفته گذشته با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد که طی دو عملیات هوایی، به پادگان های نظامی عراق حمله کرده است. جمهوری اسلامی مدعی است که

یک فروند میراژ ۲۰۰۰ عراق را در جریان حمله هوایی این کشور به شهر باختران، هدف قرار داده و سرنگون کرده است.

حمله توپخانه ای به بصره

در هفته گذشته، جمهوری اسلامی بر حجم آتشبار توپخانه ای خود روی شهر بصره افزود. حملات توپخانه ای جمهوری اسلامی بر شهر بصره که روزهای ششم و هفتم آبان ماه قطع شده بود، در پی حمله هوایی عراق به پالایشگاه باختران مجددا ادامه یافت. خبرگزاری آسوشیتد پرس به نقل از منابع رسمی عراق اعلام کرد که در جریان حملات توپخانه ای جمهوری اسلامی به شهر بصره تنها در روز ۸ آبان ۱۴ نفر کشته و ۶۶ نفر مجروح شده اند. جمهوری اسلامی هم چنین اعلام کرد که ظرف هفته گذشته مجتمع پتروشیمی عراق واقع در جنوب این کشور و هم چنین شهر کوت عراق واقع در ۱۵ کیلومتری بغداد را مورد حمله توپخانه ای قرار داده است. دولت عراق روز ۹ آبان ماه از خبرنگاران خارجی خواست تا از مناطق ویران شده بصره بازدید کنند.

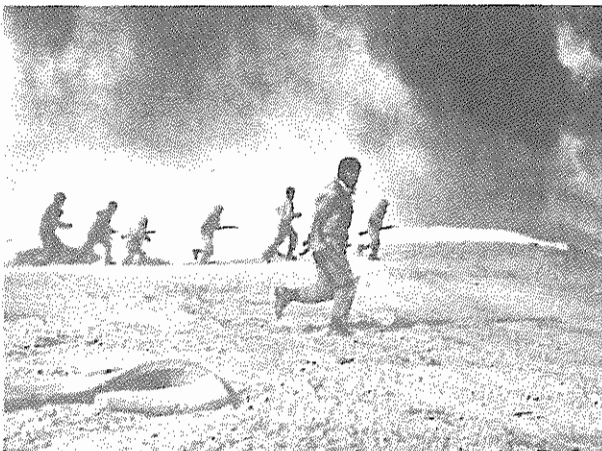
بر اساس گزارش رژیم عراق، در جریان حملات توپخانه ای جمهوری اسلامی بر شهر بصره، تاکنون نزدیک به ۶۰۰ نفر غیر نظامی کشته شده اند.

تجاوز هوایی به خاک کویت

دولت کویت با انتشار یک اطلاعیه رسمی اعلام کرد که ۲ فروند جنگنده به خاک این کشور تجاوز کرده و بر فراز تاسیسات نفتی احمدی کویت توسط بدافند ضد هوایی این کشور سرنگون شده اند. با آن که برخی از مطبوعات کویت اعلام کرده بودند که این جنگنده ها متعلق به جمهوری اسلامی هستند، ولی در اطلاعیه رسمی

کویت اشاره ای به این امر نشده است. ستاد تبلیغات جنگ جمهوری اسلامی از دولت کویت خواست تا نام کشور صاحب هواییها را فاش سازد و بدین ترتیب کوشید تا خبر مطبوعات کویت را مبنی بر شرکت ایران در این تجاوز تکذیب نماید.

از سوی دیگر در کویت رسا اعلام شد که هواییهای کویتی حامل فرستاده ویژه امیر کویت که به منظور ملاقات با مقامات جمهوری اسلامی عازم ایران بود، در آسمان مورد حمله چند جنگنده قرار گرفته و ناگزیر در فرودگاه ابروان واقع در خاک اتحاد شوروی فرود آمده است.



اعترض رانندگان به کویلی شدن بنزین

به دنبال اعلام خبر جیره‌بندی بنزین مورد نیاز وسایط نقلیه عمومی و سواری، اعتراضات وسیعی در اغلب نقاط کشور از طرف رانندگان و صاحبان این وسایط علیه تصمیم دولت صورت گرفت. در تهران، شیراز، قم، آذربایجان، شیرهای استانهای شمال، بلوچستان و شهرهای غرب کشور از جمله شهرهای استان لرستان و همدان شدت حرکات اعتراضی بیش از سایر نقاط بود. در برخی از این مناطق بین مردم و سپاه درگیری‌های شدید رخ داد که به تخریب پمپ بنزین و دستگیری مردم توسط سپاه منجر گردید. گزارش زیر نمونه‌ای است از حرکت اعتراضی وانت داران شیراز که همگام با سایر نقاط کشور صورت گرفت و به افزایش سهمیه آنان منجر شد.

در شیراز از بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۰ مهرماه صف‌های طولی از اتومبیل‌ها در مقابل پمپ بنزین‌ها برای دریافت بنزین آزاد تشکیل گردید. بنابه اطلاعاتی دولت دارندگان وانت بارها حق داشتند با ارائه سند مالکیت اتومبیل خود تا ۴۸ ساعت بعد از شروع جیره‌بندی، به صورت آزاد بنزین دریافت کنند. اما پاسداران حاضر در مقابل پمپ بنزین‌ها برخلاف وعده دولت از صبح جمعه ۱۱ مهرماه از دادن بنزین به وانت بارهای "پلاک سفید" ممانعت کردند و اعلام کردند سهمیه بنزین در مقابل کویلی عرضه خواهد شد. صاحبان وانت بارها به ناچار در مقابل بانک برای دریافت کویلی صف بستند. برخلاف انتظار رانندگان مسئولین بانک گفتند به جای سهمیه روزانه ۲۰ لیتر، به وانت بارهای "پلاک سفید" ماهانه فقط ۶۰ لیتر بنزین داده خواهد شد. حاضرین خشکین از شنیدن خبر کاهش سهمیه خود به منظور اعتراض به تصمیم دولت، به سوی استانداری شیراز واقع در فلکه "ستاد" به راه افتادند. معترضین پس از طی مسیر و پیوستن تعداد دیگری از رانندگان به آنان، در مقابل استانداری اجتماع کرده و چند نفر را برای مذاکره با استاندار انتخاب کردند. اجتماع کنندگان در مقابل استانداری با دادن شعارهایی اعتراض خود را ابراز می‌داشتند. تظاهرات روز جمعه ۱۱ مهرماه با این وعده مسئولین که با تهران تماس گرفته‌ایم و احتمالاً در سهمیه وانت بارهای "پلاک سفید" تجدید نظر خواهد شد، پایان یافت.

صبح شنبه ۱۲ مهرماه آنان بار دیگر بنابه قرار قبلی در مقابل استانداری برای پیگیری خواست خود اجتماع کردند. رانندگان با خوابیدن در وسط خیابان، مسیر فلکه "ستاد" به کمیته را که در نزدیکی آن بود بستند. آنان هم چنین چند نفر از مأمورین کمیته را که در لباس مبدل در میانشان نفوذ کرده بودند شناسایی کرده از جمع خود بیرون رانندند که در بی آن کمیته علناً دخالت کرده با آنان درگیر شد. مأمورین کمیته با تمام تلاش خود قادر به پراکنده ساختن اجتماع کنندگان مقابل استانداری نشدند و این حرکت اعتراضی توسط رانندگان زحمتکش با قاطعیت ادامه یافت تا اینکه مسئولین استانداری فارس رسماً با خواسته آنان اعلام موافقت کردند.

به هنگام پراکنده شدن اجتماع کنندگان، مأمورین کمیته که به شدت خشکین بودند، عده‌ای از آنان را مضروب و دستگیر کردند.

اعتصاب آموزگاران در شهر کرد

روز یکشنبه ۲۰ مهرماه، معلمان دوره ابتدایی روستاهای شهر کرد به مدت یک روز دست از کار کشیدند. اعتصاب آموزگاران در اعتراض به اجرای بخشنامه "توزیع عادلانه معلم" که از طرف وزارت آموزش و پرورش صادر شده صورت گرفت. بر اساس طرح "توزیع عادلانه معلم" مزایای معلمان مدارس روستایی قطع گردید و بر ساعات کار آنان افزوده شد. با اجرای این طرح از آموزگاران خواسته شد که در وقت تدریس کنند. برای ساعات اضافی کار روزانه برای آموزگاران اضافه کاری در نظر گرفته شد. وزارت آموزش و پرورش در توضیح علت صدور این بخشنامه اعلام کرده است قصد دارد با اجرای آن بدون استخدام کادر جدید آموزشی کمبود معلم در سطح کشور را حل کند.

نحوه برخورد مردم با آمارگیران

نخستین سرشماری نفوس و مسکن جمهوری اسلامی که از روز چهارشنبه ۱۶ مهرماه آغاز شده بود، پس از ۱۵ روز خاتمه یافت. اگر چه مسئولین رژیم جمهوری اسلامی نتایج سرشماری را موفقیت آمیز خواندند اما گزارش‌های واصله از برخی مناطق کشور حاکی از آن است که مردم به سبب بی‌اعتمادی به رژیم و سوءظنی که به اقدامات دولت دارند در برخورد با آمارگیران عداوت از دادن پاسخ درست خودداری کردند.

در خبری از چگونگی برخورد مردم با آمارگیران در اصفهان آمده است: "تمام کسانی که جوانی در حد مشمولیت داشتند یا وجودی را انکار می‌کردند و یا سن او را کم یا زیاد می‌گفتند، هم چنین خانواده‌هایی که دختر مجرد و جوانی داشتند به خاطر نبود امنیت، نامی از وی نمی‌بردند. در مورد وضع ساختمان، کسانی که خانه مسکونی از آن خودشان بود، مالکیت آن را انکار می‌کردند، تعداد اطفاها را کم می‌گفتند و..."

همد بگور می‌کشند

روز ۷ مرداد ماه سال جاری، فردی به نام "کتابت" یکی از آخوندهای بخش کلاوبندی از توابع بندرلنکه توسط چهار مرد مسلح به قتل رسید. قاتلین شبانه به منزل امام جمعه وارد شده و در پیش چشمان زن و بچه‌اش، پس از کوبیدن یک میخ آهنی به پای وی، چند گلوله نیز به سوی شلیک کرده و فرار کردند.

به دنبال حادثه، دو نفر از وابستگان سپاه منطقه توسط ژاندارمری به اتهام قتل دستگیر شدند. در جریان بازجویی از دستگیر شدگان معلوم شد رئیس سپاه گاربندی، معاون سپاه، مسئول کمیته "امداد امام" منطقه و چند تن دیگر در ماجرای قتل این آخوند دست داشتند. به دنبال اعترافات دستگیر شدگان، سپاه پاسداران بندرلنکه برای جلوگیری از گسترش وسیع خبر دخالت کرده و از دستگیری سایر مجرمین جلوگیری نمود و به طور کلی بررسی پرونده قتل کتابت را مانع شد. با همه اینها سپاه نتوانست از انعکاس خبر قتل و انگیزه آن، در میان مردم جلوگیری کند. انگیزه این قتل زدیه‌ها و کثافت کاریهای مسئولین منطقه بوده‌آنان نگران بودند که کتابت نتواند اسرارشان را حفظ کند.

اشکال متنوع سربازگیری در رژیم جمهوری اسلامی

تعقیب و پیگرد جوانان توسط مأمورین برای اعزام اجباری آنان به جبهه با شدت بی‌وقفه‌ای ادامه دارد. مزدوران رژیم برای به چنگ انداختن جوانان مشمول و فراری به مزورانه‌ترین اقدامات دست می‌یازند. خبرهای زیر نمونه‌هایی از اشکال متنوعی است که اخیراً برای سربازگیری برای دستگیری جوانان به کار می‌بینند. این خبرها را که متعلق به روستاهای اطراف شیراز است، از میان مجموعه اخبار واصله برای آگاهی خوانندگان برگزیده ایم:

* در مهرماه سال جاری گروهی از مزدوران سپاه و ژاندارمری جهت سربازگیری به منطقه کهره سرخی شیراز حمله بردند. آنان ۲۰ روستای منطقه را یک به یک در پی دستگیری جوانان زیر پا گذاشتند. پاسداران به "منقار" یکی از ۲۰ روستای منطقه هجوم برده و برای فریب روستاییان اعلام کردند جهت حل اختلاف آنان با اهالی روستای هم‌جوار به منقار آمده‌اند. پاسداران پس از جمع شدن همه اهالی روستا آنان را محاصره کرده و جوانان را دستگیر کرده و با خود بردند.

* روز اول مهرماه اوباشان حکومتی به دنبال تعقیب جوانان فراری به روستای بکدانه پورش بردند. اهالی این روستا در مقابل مأمورین مقاومت کرده و از دستگیری جوانان خود جلوگیری کردند. در این مقابله، روستاییان شیشه‌های ماشین سپاه را شکسته و آنان را فراری دادند.

* در روستای بنگه، کربس، بندوبه، قبل از این که مزدوران حکومتی سر برسند، جوانان دسته جمعی روستا را ترک کرده بودند. مأمورین با تقلید زیاد بتوانستند تنها یکی از جوانان فراری را دستگیر کنند. در تحقیق علت فریب و فرار وی معلوم شد که او کارت معافیت از خدمت دارد و تنها به خاطر این که مأمورین سپاه را به هنگام تعقیب سایر جوانان فریب دهد، فرار می‌کرده است.

* در مهرماه پاسداران در دو روستای منطقه کهره سرخی برای فریب روستاییان و جمع کردن آنان اعلام می‌کنند که می‌خواهند فیلم جنگی به نمایش بگذارند. آنان به هنگام نمایش فیلم، تماشاگران را محاصره کرده به این طریق عده‌ای از جوانان را دستگیر می‌کنند.

* در یکی از روستاهای گوار از توابع شیراز مأمورین به‌خانه یکی از افراد روستا یورش برده و از او می‌خواهند اسامی سربازان فراری را بنویسد. وی به خواست مأمورین جواب رد می‌دهد. اوباش سپاه او را تهدید کرده و می‌گویند: "برایتان بد می‌شود" و او می‌گوید: "چطور؟ برقمان را قطع می‌کنید یا آب، لوله‌کشی‌مان را؟ اختلاف‌مان را خراب می‌کنید یا در میانکامان را؟"

* روزی، هم‌رسانه عوامل حکومتی یکی از سربازان فراری روستای ده سرور دستگیر کرده و به پایگاه مقاومت سپاه تحویل می‌دهند. چند روز نگذاشته او باز دست به فرار می‌زند. به هنگام فرار مأمورین سپاه به حوش تبراندازی کرده، مجدداً دستگیری می‌کنند. پاسداران پس از ضرب و شتم وی، پهای گلوله‌های شلیک شده به سوی او را مطالعه می‌کنند.

زنجیره کشاکش‌ها

از دستگیری سید مهدی هاشمی تا مساله جانشینی خمینی

بقیه از صفحه اول

خویش قرار می‌دهند. در اینجاست که ملاقات منتظری با خمینی در تاریخ ۲۶ مهر و نیز دیدار وی با نخست وزیر و رئیس‌جمهور معنی ویژه‌ای پیدای کند. این دیدارها ثمره‌ای نبخشید. مکاتبه علنی رئیس ساواک و خمینی، شاخص ناکامی منتظری در این دیدارهاست.

پاسخ خمینی به استعفای رئیس ساواک که عین آنرا در ابتدای این گزارش نقل کردیم دارای نکات برجسته‌ای است؛ پس از دستگیری سید مهدی هاشمی و هادی هاشمی، طرفداران منتظری احساس خطر کرده و به تکاپو افتاده‌اند. خمینی با "ضد انقلاب و منحرف" خواندن دستگیرشدگان به در می‌گوید تا دیوار بشنود. نکته دیگر این که خمینی تاکنون کم پیش آمده است که کسانی را که می‌خواهد زیر ضرب ببرد، صریحاً به نام بخواند. اسم بردن صریح از سید مهدی هاشمی نشان‌دهنده اهمیت موضوع است و خمینی این بار می‌خواهد جایی برای تفسیر حرفهایش باقی نگذارد. بی‌گیری امر در این نامه به ساواک جمهوری اسلامی سپرده شده است. ریشه داشتن جریان زیر ضرب رفته در سپاه پاسداران یکی از عوامل این فرمان خمینی است. صریح سخن گفتن برای خمینی که می‌کوشد تعادل قواد را بلا حفظ شود، همواره مسیر نیست. او در پایان نامه صریح خود به رئیس ساواک باز به ابهام‌گویی رومی آورد. او می‌نویسد: "خداوند تعالی را حاضر و ناظر بدانید که این امر عبادتی است که دامان بزرگان را از اتهامات پاک و توطئه منحرفان را خنثی می‌کند." این "بزرگان" کیانند؟ موافقین و یا مخالفین منتظری در میان عناصر درجه اول رژیم؟ از زمان اعلام ولایتعهدی منتظری تا توهین این چنین به ساحت وی کمتر از یک سال می‌گذرد. شتاب ویژه حوادث با توجه به مبرمیت موضوع اصلی یعنی موضوع جانشینی خمینی، در زمان کوتاهتری معلوم خواهد کرد که بزرگان کیانند و یا دقیقتر بگوییم بزرگترها چه کسانی هستند. اکنون شایعه استعفای منتظری از ولایتعهدی نیز بر سر زبانها افتاده است. پیش از حل مساله ولایتعهدی منتظری لازم است مساله آئین‌ناتویان حل شود. این مساله فقط با حادثه درگیریها در درون عرصه قدرت قابل حل است. بنابراین زنجیره حوادث به این سانگی‌ها گریبان منتظری را رها نخواهند ساخت. برای اینکه او حکم "باقی‌مانده" را بپایند، نخست لازم است "خارج قسمت" نهایی قوا در عرصه قدرت مشخص شود.

دسته‌های خمینی گرا در منطقه است، در جنگ خود گرفتند. مدتی طول کشید تا این گروه به نظم حکومتگران تکمیل کردند. پس از محمد منتظری، از نفوذ این دسته کاسته شد. درگیریهای درونی در اصفهان و خاصه در سپاه پاسداران این شهر، چندین بار نام سید مهدی هاشمی را بر سر زبانها انداخت. این دسته به تدریج صورت مخفیانه‌تری به فعالیت‌های خود داد و با استفاده از نزدیکی سران آن با آیت الله منتظری توانست خود را در زیر فشار رقبا و مخالفین، حفظ کند. بهانه حقوقی برای زیر فشار قرار گرفتن این گروه، قتل شمس آبادی به دست سران آن بود. در جریان درگیری‌های بین خادمی رئیس حوزه علمیه اصفهان و دوست قدیمی شمس آبادی با ظاهری نماینده خمینی در اصفهان و امام جمعه این شهر، چندین بار پیرونده این قتل و نیز قتل مهندس بحرینی از مسئولین دفتر خادمی، به جریان افتاد و هر بار با تعادلی که بر اثر دخالت سران حکومت و شخص خمینی برقرار شد، مسکوت ماند. با ارج و منزلت یافتن بیشتر منتظری به دنبال انتخاب او به عنوان ولیعهد خمینی، ظاهر به نظر می‌رسید با توجه به مناسبات گروه مهدی هاشمی با وی، دیگر اسمی از این پیرونده‌ها برده نخواهد شد. اما موضوع برعکس بود. این پیرونده‌ها نه تنها فراموش نگشتند، بلکه وزن سیاسی بیشتری یافتند. پیرونده علیه گروه مهدی هاشمی حکم پیرونده علیه شخص منتظری را یافت. و اکنون به جریان افتادن این پیرونده، نشان دهنده بروز تغییراتی در توازن قوا به نفع مخالفین ولایتعهدی منتظری است. تغییر در توازن قوا حول موضوعی به این اهمیت تنها با جابجایی مهره‌های سنگین وزن در پهنه قدرت مسیر است. از این زاویه است که اذهان متوجه رفسنجانی گشته است، همان کسی که سال گذشته ولایتعهدی منتظری را رسماً اعلام کرد.

منتظری در کانون حوادث

بنا بر این، موضوع فراتر از ربودن کاردار سفارت سوریه و اختلاف بر سراسر اتریش جنگی است. زنجیره حوادث حتی اگر خود منتظری هم نخواهد و سران رژیم برای ظاهر سازی عوامل فرعی را عمده جلوه دهند، ولیعهد ناتوان و دست بنیاد را در مرکز

نماینده خمینی در این ارکان است. در استراتژی جنگی رژیم نحوه پیشبرد مناسبات تهران بامتنق در چارچوب توجیهی که باید به زمینه‌های سیاسی تداوم جنگ با هدف سرنگون ساختن صدام حسین شود، در مقایسه با تائیدی که از نظر رژیم لازم است بر روی حمله گسترده نظامی صورت گیرد، یک محور اساسی است. توجه به این نکته می‌تواند پیوند بین واقعه ربوده شدن ایازالمحمود، دستگیری گروه سید مهدی هاشمی و سخنان ۸ آبان میرحسین موسوی را روشن سازد. میرحسین موسوی در سخنرانی رادیو و تلویزیونی خود سید مهدی هاشمی و گروه او را متهم ساخت که قصد داشته‌اند جمهوری اسلامی را به سمت یک "صلح مسلحانه" بکشانند. به گفته موسوی آنها قصد داشتند با ایجاد جو ارباب در مورد قدرت رژیم عراق و حملات آینده آن، جمهوری اسلامی را خود را برای خرید اسلحه و انبار کردن آن اختصاص دهد.

اما موضوع فراتر از اختلاف نظر "واحد نهضت‌های آزادیبخش سپاه پاسداران" با استراتژی جنگی رفسنجانی و شورای عالی دفاع است. مهمترین عاملی که بر اهمیت این واقعه می‌افزاید - واقعه‌ای که از زاویه آشکار ساختن اختلافات درونی رژیم حول نحوه پیشبرد جنگ نیز درجای خود مهم است - وابستگی دستگیرشدگان با منتظری است. سران این گروه از پیش از انقلاب جز "میریدان منتظری" بوده‌اند و پس از انقلاب نیز تا تیرماه سال ۶۰ از سوی محمد منتظری پسر بزرگ آیت الله منتظری، که در جریان انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی کشته شد، هدایت می‌گشته‌اند.

سوابق امر

اصفهان و نجف آباد، حوزه نفوذ سنتی گروه سید مهدی هاشمی است. این گروه پیش از انقلاب با خفه کردن آیت الله شمس آبادی، از آخوندهای مخالف روحانیون سیاسی و اهل‌سازش با دربار، به شهرت رسید. پس از انقلاب آنها با برخورداری از حمایت منتظری نفوذ خود را در منطقه اصفهان و در رده‌های مسئولین سپاه پاسداران تقویت کردند و سرپرستی "واحد نهضت‌های رهایی‌بخش" سپاه را که از کانالهای ارتباطی پاسداران با

اسلام، جناب عالی مؤلف هستید به جمیع جوانب این امر با کمال دقت و انصاف رسیدگی نمایید و تمام افراد متهمی را که از سران این گروه محسوب می‌شوند و نیز افراد دیگری را که در انتشار مسائل کذب و قضایای دیگر دست داشته‌اند، تعقیب نمایید و بدیهی است که این امر چون مربوط به اسلام و انقلاب و امنیت کشور است، تحقیق آن منحصر در اختیار وزارت اطلاعات کشور می‌باشد. باید تاکید کنم که همه در پیشگاه قضاوت اسلام مساوی بوده و نیز به همان اندازه که اغراض از بر زمین گناه بزرگی است، تعرض نسبت به بی‌گناهان از گناهان نابخشودنی است. خداوند تعالی را حاضر و ناظر بدانید که این امر عبادتی است که دامان بزرگان را از اتهامات پاک و توطئه منحرفان را خنثی می‌کند."

اختلاف بر سر استراتژی جنگی، این موضوع اصلی کشاکش است؟

آنچه که موضوع دستگیری سید مهدی هاشمی و "تعدادی از مرتبطین با او" را اینسان مهم می‌سازد، این است که دستگیرشدگان از "مرتبطین" منتظری می‌باشند. سید مهدی هاشمی پیش از دستگیری، مسئول واحد "نهضت‌های رهایی‌بخش" سپاه پاسداران بود و برادرش سید مهدی هاشمی، داماد منتظری که او نیز دستگیر شده است، ریاست دفتر منتظری در قم را بر عهده داشت. در بین دستگیرشدگان، از محمد میرزایی عطاآبادی نماینده فلاورجان (اصفهان) و محمد جعفر صدقیان فر نماینده خمینی شهر (بین اصفهان و نجف آباد) در مجلس شورای اسلامی و نیز احمد منتظری پسر آیت الله منتظری، نام برده می‌شود.

دستگیریها از حدود یک ماه پیش آغاز شده است. بهانه برای شروع به دستگیری دسته سید مهدی هاشمی، ظاهراً ربوده شدن ایازالمحمود کاردار سفارت سوریه در تهران در روز ۱۱ مهر است که گفته می‌شود کار این گروه بود. سخنرانی رادیو تلویزیونی میرحسین موسوی در روز ۸ آبان این نکته را فاش می‌سازد که یکی از محورهای اختلاف گروه مهدی هاشمی با دولتمردان درجه اول رژیم، اختلاف بر سر استراتژی جنگی است. سیاست‌گذار اصلی در شورای عالی دفاع در زمینه جنگ، هاشمی رفسنجانی،

کار دمکراتیک در میان توده ایرانیان خارج از کشور

بقیه از صفحه اول

خود در ستایش از رژیم ارتجاع نوشته است. هدف کنیم، و سپس مقاله را با حذف مشخصه‌های نشریه حاوی آن در اختیار خواننده‌ای که اصل مقاله را ندیده است بگذاریم، ممکن است این شبهه پدید آید که این نوشته را این یا آن سازمان ایروزیسیون که به بیماری سکتاریسم مبتلا است، نوشته است. تشویق به سکتاریسم، تشویق به دوری هر چه بیشتر از یکدیگر؛ این، جوهر مقاله کیهان هوایی است. کیهان هوایی تکرانی جمهوری اسلامی را نسبت به کوشش‌هایی که در جهت زدودن سکتاریسم از جنبش صورت می‌گیرد، بازتاب می‌دهد. این نشریه دولتی اگرچه مقاله اکثریت را "نقد" کرده است، اما در حقیقت مخاطبش نه مابلکه کسانی هستند که نتوانسته‌اند خود را از آلودگی به سکتاریسم برهانند. کیهان هوایی خطاب به آنها هشدار می‌دهد که مواظب باشید! تبلیغ کار متحد، توطئه اکثریتی‌هاست. مبادا به این دام بیفتید. متشکل و متحد ساختن ایرانیان در خارج از کشور در راستای اهداف دمکراتیک تنها به سود "اکثریت" است و به زبان دیگر سازمان‌هاست! تشکل دمکراتیک! اتحاد عمل! هر کس چنین حرف‌هایی بزند، جلوی او را بگیرید. او تنها به فکر منفعت سازمان خویش است.

آیا به راستی در میان نیروهای جنبش نیستند کسانی که چنین بیندیشند؟ سکتاریسم دو جنبه دارد. مقاله کیهان هوایی نیز برای نفاق افکنی در جنبش "نقد" خود را از نظر ما بر این دو جنبه استوار کرده است. جنبه اول، سکتاریسم در برخورد با مردم و در جریان کار توده‌ای است. جنبه دوم، سکتاریسم در برخورد با دیگر نیروهای پیشرو است. این دو جنبه، دو روی یک سکه‌اند. کسی که نمی‌تواند در کار توده‌ای مشی بسنج‌گر، سازمان‌گر و وحدت بخشی را پیش گیرد، در برخورد با سازمانهای انقلابی نیز از یک مشی تفرقه افکنانه پیروی می‌کند و برعکس، کسی که با اتحاد نیروهای انقلابی مخالف است، بی‌گمان قادر نیست توده‌های وسیع خلق را یکپارچه، متحد و آگاه سازد.

مقاله کیهان هوایی را از این دو جنبه مورد توجه قرار دهیم.

جنبه اول: کیهان هوایی برای گریزاندن نیروهای مترقی از کار دمکراتیک در خارج از کشور، می‌کوشد ایرانیان مقیم خارج را تحقیر کند و همه آنها را کسانی معرفی کند که "ویلاها و کارخانه‌های خود را فروخته و تبدیل به ارز آزاد کرده‌اند و به خارج گریخته‌اند." نشریه رژیم در همین رابطه می‌نویسد: "در شرایط کنونی خارج از کشور که نیروها و افراد، به دلیل یاس و ناامیدی‌شان از فعالیت گروهی و سیاسی، به سیاست زدگی و گریز از فعالیت اجتماعی - سیاسی دچار شده‌اند و جوهر رنگ سیاسی به تدریج در می‌پلغند و نیروهای غیروابسته به گروهها و جریان‌ها ضد انقلابی ضعیف و بی‌ثبات شده است؛ گروه اکثریت تلاش دارد، تا با چاره‌اندیشی‌ها و توسل به برنامه‌هایی، ایرانیان خارج از کشور را که اکثریت آنها غیر سیاسی هستند، فعال و هوادار خویش سازد و با نغمی مرزبندی در نیروهای خارج از کشور به سیاسی و غیرسیاسی، راهی را برای خروج از بن‌بست موجود... فراهم آورد."

جنبه دوم: ما در مقاله نشریه "اکثریت"، از ضرورت عاجل پایان دادن به پراکندگی‌ها، کنار گذاشتن سکتاریسم و برخورد‌های تفرقه‌گراییانه و اهمیت تشکل‌های دمکراتیک سخن گفته بودیم. کیهان هوایی کوشیده است چنین القا کند که ما بر پایه منافه سازمانی خود بر این ضرورتها پای می‌نشاریم. نقل قول بالا این موضوع را نشان می‌دهد. نشریه رژیم در چند مورد پایبندی به این نظر را تشویق می‌کند که هر کس به فکر خویش است و از این رو بهتر است هیچ اتحادی بین نیروهای ترقی‌خواه ایروزیسیون صورت نگیرد؛ هر چه پراکنده‌تر، بهتر.

حال به این دو جنبه از القائات نشریه رژیم در درون جنبش در حیطه بحث فعالیت در خارج از کشور بنگریم.

جنبه اول: کم‌نیستند سازمانها، گروهها و افرادی که همه ایرانیان خارج از کشور را با یک چوب می‌رانند. مادر "اکثریت" ۱۱۸ در این مورد نوشتیم: "متأسفانه اکثر قریب به اتفاق نیروهای سیاسی مردمی ما، ایرانیان مقیم خارج را با معیاری نادرست به دودسته سیاسی و غیر سیاسی تقسیم می‌کنند؛ جاسی از نظر آنان تنها کسی است که عضو هوادار این یا آن گروه باشد. همین افراد سیاسی نیز به دو

عنصر پیشرو از آن رو در قوام بخشیدن به یک تشکل دمکراتیک یاری می‌رساند، تا توده‌های وسیع‌تری به مبارزه بگروند و هر یک از آنها گوشه‌ای از کار را بگیرند. مردم با حضور فعال در یک تشکل دمکراتیک واقعی می‌آموزند که چگونه می‌توانند با هم متحد شوند و خود سرشوششان را به دست گیرند.

دسته تقسیم می‌شوند: ما و جز ما! ساده‌نویزی و خطرناک بودن این پنداشت آن هنگام آشکارتر می‌شود که در پایین برخی گروههای سیاسی هر کسی جز خودتان را ضد انقلابی می‌خوانند. "سیاسی" ما که رقیب و یا دشمن به حساب می‌آیند و به بقیه "غیرسیاسی" ما با بی‌مسئولیتی تمام، مارک سلطنت طلب زده می‌شود... کسی که هتاکانه اکثر ایرانیان مقیم خارج را "سلطنت طلب" بنواند، عملاً آب به آسیاب پوچیده سلطنت طلبها می‌ریزد. بنین کسی با یک پر "انقلابی"، با یک پیش‌داوری غیر مسئولانه، خضرناک، بغایت ساده‌نترانه و حتی توهمین آمیز، سه میلیون ایرانی را در جاتحویل ددان سلطنت طلب می‌دهد... شاید گرفتن چنین پرز ناشی از یک نوع کاهلی باشد. آری، مبارزه سخت است، کار دمکراتیک مشکل است، به آرمانهای مردمی پایبند کردن فردی که به دلیل حاکمیت سیاه پس از انقلاب، به خود انقلاب نیز بدبین گشته است، و تبلیغ دشواری است. کسی که از این دشواری می‌هراسد بهتر است بر حرم دشواریها نیز فزاید و کاهلی و ناتوانی خود را تئوریزه نکند."

جنبه دوم: سازمان یا گروهی که آنقدر "مشکل‌پسند" باشد که در میان دوتاسه میلیون ایرانی مقیم خارج، حداکثر تنها ۲۰۰ - ۳۰۰ نفر اعضا و هواداران خود را لایق ارتباط داشتن بداند، بی‌گمان حاضر نیست بر سر ساده‌ترین مسائل نیز اتحاد عمل با

دیتر. سازمانها را بیدیدر. "مشکل‌پسندی" متفرعانه این گروهها در دو عرصه، هم عرصه کار در میان مردم و هم عرصه کار با دیتر سازمانهای سیاسی، جز انفرادی و انزوا پیمادی نخواهد داشت. این تفرعن را ضعف‌های ایدئولوژیک و سیاسی خود این گروهها موجب شده است. دشمن از وجود این ضعف‌ها بسیار شادمان است، تادمان در حد تشویق و نفاق افکنی برای تشدید این ضعف‌ها. هیچ سازمانی از کیهان هوایی خطنمی‌گیرد. موضوع برعکس است. نشریه رژیم از وضعیت کنونی جنبش "خه" کرفته است و در برابر نثری که می‌کوتند ضعف‌های جنبش را مسئولانه نقادی، کند، ختم‌کنینانه موضع می‌گیرد. هدف ما از نشان دادن تلاش ارگان وزارت اطلاعات رژیم در خارج از کشور برای سوار شدن بر ضعف‌های جنبش و تقویت آن، ساده کردن مسائل در حد پدید "مسویی" و برخورد با انحرافات از این طریق نیست. ما خواستیم تنها این حقیقت را نشان دهیم که ضعف‌های ما نقاطوت دشمن ماصوب می‌شوند. خواستیم به عینه از زبان دشمن نیز نشان دهیم که ان نوعی از "انقلابی‌گری" که صفت میزبه خویش را سکتاریسم هر چه بیشتر قرار داده است، نه تنها خوب نیست، بلکه عنصر عمیقاراستی را در درون خود نهفته دارد. و البته این انقلابی‌گری "جیب" است، جیبی در درون کیهان.

مضمون فعالیت در خارج از کشور

پس از این مقدمه لازم است به بحث اصلی خود در ادامه مقاله گذشته نشریه بپردازیم. نخست ضروری است به این پرسش پاسخ دهیم که مضمون فعالیت‌های یک سازمان انقلابی (در شرایط ایران) در خارج از کشور چیست؟ در این مورد نظریات مختلفی وجود دارد. پارامترهای موثر در شکل‌گیری این نظریات عبارتند از: وزن و نقش یک سازمان در درون کشور، سبک کار عمومی آن، مجموعه وظایفی که آن سازمان در حیطه امکاناتش برای خود قایل است، تلفی و برداشت آن از توده ایرانیان مقیم خارج و بالاخره روابط بین‌المللی آن. هر سازمانی با توجه به این پارامترها و در چارچوب هویت ایدئولوژیک - لبقاتی خویش، نظر خود را در زمینه فعالیت در خارج از کشور تعیین کرده و به یک فرم تشکلیاتی همخوان با نظر خود می‌رسد.

تقریباً همه بر این اعتقادند که نبرد در داخل کشور، جبهه اصلی مبارزه است و جهت و ماحصل فعالیت در خارج از کشور، باید در خدمت مبارزه در داخل قرار گیرد. اختلافی که در برخورد نخست ممکن است جلب توجه کند، در این زمینه است که تا چه میزان باید به خارج از کشور به عنوان خارج از کشور، توجه شود و بدان نیرو اختصاص یابد. کمیّت چشمگیر ایرانیان در خارج از کشور دست‌کم باعث می‌شود هیچ سازمانی وجود آنها را نادیده نگیرد و منکر ضرورت کار در میان آنها - با ویژگی‌های خارج از کشور بودن - نشود. با این که میزان ضرورت توجه به این توده کثیر - که بخش کثیری از آنها از اقتدار متوسط جامعه برخاسته‌اند و دارای تأییدات قوی دمکراتیک هستند - ممکن است مبنای اختلاف نظرها در مورد شکل و شیوه فعالیت در میان آنان باشد، اما به هیچ‌رو عامل محوری در اختلاف بین دیدگاههای مختلف نیست. آنچه که اختلاف برانگیز است سبک کار گروهها و سازمانهای مختلف است. در سبک کار برخی گروهها و سازمانهای سیاسی مترقی جذب نیرو هدف اول و آخر است.

اگر صرفاً بر اساس جذب نیرو حرکت شود،

کار دمکراتیک در میان توده ایرانیان

فعالیت در خارج از کشور (داخل کشور نیز از این قاعده جدا نیست) مضمون بسیار تنگی می‌یابد. بر مبنای این مضمون، یک سازمان سیاسی تنها می‌تواند با آن نیروهای پیوند برقرار کند که بتوانند مستقیماً در درون آن جذب شوند. چنین سازمانی مجموعه ایرانیان در خارج از کشور را نهایتاً می‌تواند به دو بخش تقسیم کند: آنهایی که برای عضو شدن شایستگی دارند و آنهایی که ندارند. این سازمان با این خدمتی قادر نیست به یک فعالیت نوده‌ای و بسیج‌گر در میان ایرانیان مقیم خارج بیاورد. اعضای آن عمدتاً به قشر بی‌سواد ایرانیان در خارج توجه می‌کنند. این قشر خود عمدتاً در دینار سازمانهای سیاسی متشکل شده‌اند. بنابراین وظیفه آن می‌شود که بخش اصلی نیرو برای جذب اعضای دیگر سازمانها متمرکز گردد. طبیعتاً چنین سازمانی، مبنایی برای اتحاد عمل با دیگر سازمانها ندارد. به یکدیگر به چشم رقیب، و نه هم‌رزم و همراه می‌نگرند. برخوردی فرقه‌ای، شایع‌پیراکنی، تشویق برای انشعاب و... حتی در کثیره‌های فیزیکی، این است. ماحصل این نوع از فعالیت در خارج از کشور، چنین سازمانی نمی‌تواند در کارنامه خود این امتیاز را بجناند که این فرد یا آن فرد را سیاسی و آگاه کردم. افتخار این سازمان آن است که برای تضعیف فلان سازمان رقیب نهایت تلاش را مبدول ساختم، بخشی از اعضای آن را منفل نمودم و معدودی از آنها را جذب خود کردم. تاسف آور نیست؟ در پایان کار معلوم نیست با این همه فعالیتها چه کلی بر سر مبارزه چه در داخل و چه در خارج زده می‌شود. در این مورد کوچکترین شکی نیست که فعالیت چنین سازمانی در داخل کشور، کارنامه چندان درخشانی از فعالیت آن در خارج، نمی‌تواند داشته باشد. بی‌گمان نحوه برداشت سازمان مفروض ما از کار در خارج از کشور چنین انحرافات را موجب نمی‌شود. انحرافات اساسی‌ترو به آن درک و آن انحرافات تبعی می‌انجامد. علاوه بر این وقتی که درکی عملی و انقلابی از خط و مرزها، کار دمکراتیک و سیاست‌گیری وجود نداشته باشد، سازمان دیگری نیز ممکن است از مقدمات مشابهی حرکت کند. ولی به راست درغلتد. چنین سازمانی برای گسترش بی‌بلن کار خود در زمینه جذب نیرو، به ناکزیر معیارهای عضوگیری خود را پایین می‌آورد. فعالیت در خارج از کشور برای نیروهای سیاسی ایران پدیده تازه‌ای نیست و این نیروها خاصه بارها تکرار این برداشت راست روانه و خطرناک در مورد عضوگیری گسترده در خارج از کشور را به چشم دیده‌اند. در این زمینه به اندازه کافی تجربه وجود دارد.

مجدداً به مقدمات بحث برگردیم. جبهه اصلی نبرد در داخل کشور است. در خارج از کشور نهایت مطلوب آن است که توان همه ایرانیان شریف و آزاده برای یاری مستقیم به مبارزه در داخل به کار گرفته شود. این نهایت مطلوب همان امکانات موجود نیست. مبارزه پیگیرانه‌ای لازم است که این امکانات به تمامی - در حیطه بازدهی عینی آنها - در خدمت هدف نهایی قرار گیرند. این مبارزه در زمان جریان دارد و زمان مراحل کیفی مختلف را در پی هم قرار می‌دهد. حرکت از ساده شروع شده و به پیچیده می‌رسد. نیروهای مختلف بین این مراحل کیفیتنا مختلف و به عبارت دیگر بر اساس کیفیتهای مختلف، تقسیم می‌شوند. کیفیت و دقیق‌تر بگوییم کیفیاتی که دارای بیشترین و گسترده‌ترین پایه عددی هستند،

فعالیتی سخوان با خود را می‌طلبند. مضمون این فعالیت، کار دمکراتیک است. کیفیتهای مختلف، تنها شاخص مراحل زمانی مختلف نیستند. کار دراز مدت با یک نیرو ممکن است سطح کیفی مبارزه آن را ارتقا دهد. اما آنچه که بطور بالفعل کیفیتها را تبیین می‌کند ماهیت اجتماعی نیروها، سطح آگاهی سیاسی و توان و استعداد مبارزاتی آنهاست. ما اگر نهایت مطلوب را بخواهیم به فوریت در عینیت موجود جستجو کنیم، دیالکتیک مبارزه را زیر پا نهاده ایم. از غریبال ما تنها عناصر اندکی می‌گذرند و بقیه به دست سرنوشته رها می‌شوند.

در خارج از کشور بیش از دو میلیون ایرانی به سر می‌برند. از بخشی از این نیروها که "ویلاها و کارخانه‌های خود را فروخته و به خارج گریخته‌اند" که بگذریم، خاستگاه بقیه، اقتدار مختلف میانی جامعه ایران است. این که در خارج از کشور طیف این بخش از ایرانیان بطور عینی در برش‌های اقتصادی - اجتماعی در کدامین جایگاه قرار می‌گیرد، در مجموع

کیهان هوایی می‌نویسد ایرانیان مقیم خارج کسانی هستند که "ویلاها و کارخانه‌های خود را فروخته و تبدیل به ارز آزاد کرده‌اند و به خارج گریخته‌اند."

تأثیر قوی خاستگاه طبقاتی آنها را از بین نمی‌برد. باور عینی خطا خواهد بود اگر در محدوده زمانی فعلی ماهیت آنها را اساساً با خاستگاه و جایگاهشان در درون خود کشور توضیح دهیم. کمیت پر شمار ایرانیان در خارج، ترکیب طبقاتی آنها و تأثیر قویشان بر روی مبارزه در داخل و آینده کشور، باید هر سازمان انقلابی مستقیمی را به چاره‌اندیشی در مورد شیوه‌های اصولی فعالیت در میان آنان وادارد. این فعالیت مبارزاتی دمکراتیک دارای اشکال و سبوح مختلفی است. سبوح مختلف این مبارزه بین باینترین سطح که کار در خارج از کشور بعنوان کار در خارج از کشور است، و بالاترین سطح که همانا کف مستقیم پشت جبهه‌ای به داخل است، از بی یکدیگر قرار می‌گیرند. هر یک از این سطوح، فی‌الذمه مینا و موجودیت عینی و بنابر این ارزش خود را دارند و در تبدیل آنها به یکدیگر لاجرم باید دیالکتیک امکان تحولشان را دقیقاً در نظر داشت. تحمیل الزامات و امکانات مبتنی بر یک سطح کیفی ارتقا یافته به سطوح کمتر، هم یک زمینه فعالیت را از بین برده و بی‌اسباب محدود می‌سازد و هم امکان تقریب کمیته را که می‌تواند در آینده کیفیت نوینی را به‌بذیرد، منقفی می‌کند.

اصول کار دمکراتیک

لنین درباره کار بین‌زنان گفته است: "کار سیاسی" مادرمیان زنان، بخش بزرگی کار تربیتی در میان مردان را در بر دارد. "بِسَالْمِ اِسْمِ" این جمله لنین، در زمینه کار دمکراتیک نیروهای پیشرو جنبش در میان مردم می‌توان گفت: کار دمکراتیک ما در میان توده‌ها، مستلزم بخش بزرگی کار تربیتی در میان خودمان است. تجربه جنبش در زمینه کار دمکراتیک بسیار اندک است. معرفت‌مان در این زمینه محدود است و آن چه که هست هنوز به یک فرغ‌نگ و خصلت تبدیل نشده است. دمکراتیسم در سه وجه تجلی می‌یابد: وجهی ناظر بر مناسبات درونی یک سازمان است، وجهی ناظر بر مناسبات بین سازمان‌های انقلابی است و وجهی دیگر مبنای شکل و مضمون فعالیت توده‌ای دمکراتیک سازمان‌ها

را تشکیل می‌دهد. این سه وجه به یکدیگر هم بسته‌اند. نیرویی مثل اقلیت با نظم سازمانی آن‌چنانی خود، در مناسبات با دیگر سازمان‌ها نیز بر اساس قلدرومایی حرکت می‌کند. چنین سازمانی که برای اعضای خود هیچ حق دمکراتیکی قابل‌نیست و در سطح جنبش همه سازمان‌های انقلابی را دشمن می‌پندارد، در کار توده‌ای خود نیز تنها می‌تواند از سکتاریسم محض پیروی کند. دمکراتیسم و بیابیندی به دمکراسی، دارای جنبه‌های مختلف ایدئولوژیک، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و رفتاری است. کار دمکراتیک بدون برخورد اری عمیق از همه این جنبه‌ها میسر نیست.

فعالیت در خارج از کشور، دارای یک مضمون دمکراتیک است. این فعالیت در حالی شریبخش خواهد بود که مبتنی بر همه اصول و منجاریهای یک مبارزه دمکراتیک باشد. یک تشکل دمکراتیک می‌بایست در خدمت پیش‌برد یک مبارزه دمکراتیک باشد نه نوعی شطرنج بازی بین سازمان‌های سیاسی. بسیاری از تشکل‌های دمکراتیک در خارج از کشور، تنها در عنوان از دمکراسی نشان داشته و دارند. ماکم به این پدیده برخورد نکرده ایم که مطلقاً اعضای یک سازمان سیاسی وقتی که برای ایجاد یک تشکل دمکراتیک پیش‌قدم می‌شوند، اسامی و برنامه آن را از روی اسانامه و برنامه خود کپیبرداری می‌کنند و می‌خواهند "هم‌مونی" آن‌ها از پیش تضمین شده باشد. چنین تشکل "دمکراتیکی" تنها اعضای خود آن سازمان را می‌تواند جذب کند و چون مضمونی برای آن باقی نمی‌ماند و تنها حکم واحدی دیگر در کنار بقیه واحدهای تشکیلاتی آن سازمان را می‌یابد، فوراً بی‌اصل و وقت‌گیر تشخیص داده شده و از هم می‌پاشد. برخی از این تشکل‌ها، تنها عرصه زور آزمایی‌اند. بحث و جدل بین اعضای دوسه گروه و بعد "افشاکری" (!) علنی مکتوب علیه یکدیگر و در پایان هیچ.

برای پیشبرد یک فعالیت دمکراتیک، نخست باید از خود صادقانه بپرسیم که چه هدفی داریم؟ آیا واقعا می‌خواهیم نیروهای را حول مسایل معینی به قصد نیل به اهداف مشترک همه آن نیروها متشکل کنیم و باهدف اصلی‌مان چیز دیگری است؟ اگر هدف اصلی پیشبرد مبارزه مشترک نیست، بهتر است دست از این نوع فعالیت برداریم، چرا که ممکن است در پایان کار دیگران را به دمکراتیسم خود بدبین سازیم و عده‌ای را برای همیشه از پیوستن به یک تشکل دلزده کنیم. هم‌مونی را با زور و توطئه نمی‌توان تحمیل کرد. این شیوه‌های اعمال هم‌مونی، از آن بورژوازی است. بگذارید مبارزه کسرتش یابد، بگذارید توده‌های هر چه بیشتری به مبارزه بگروند، آن‌گاه آن‌ها خود نیروی هم‌مون را بر خواهند گزید.

در مبارزه به‌طور اعم و مبارزه دمکراتیک به‌طور اخص باید این ظرفیت را داشته باشیم که از مردم بیاموزیم. عده‌ای هستند که شتابزده وارد می‌شوند تا سازمان دهند. آن قدر عجله دارند و آنسان خود را از هر نظر آگاه و مسلط می‌دانند که نمی‌پرسند چه باید سازمان داده شود، کدام مساله باید حل شود، چه راه حلی را می‌توان برای آن یافت، آن‌ها که می‌خواهند سازمان داده شوند، خود چه می‌اندیشند و چه می‌خواهند. مردم به چنین افرادی اعتماد نمی‌کنند. عده‌ای برای خود این حق را قایلند که به مردم زور بگویند. آن‌ها یک تشکل دمکراتیک را عرصه‌ای برای تمرین حکمرانی می‌دانند. برای مردم نیز این نوعی تمرین است. آن‌ها در جریان این تمرین

مبارزاتی خود را به صورت زنده و شریک پیش برند؟ مقدم بر همه آن‌هایی که دارای بیشترین ارتباطات بوده‌ای هستند. این ارتباطات را سازمان برای آن‌ها ایجاد نکرده‌است. هیچ سازمانی برای اعضای خود ارتباطات نکرده‌ای نمی‌آفریند. موضوع برعکس است. ارتباطات زنده‌ای را توده اعضا و هواداران ایجاد می‌کنند و سازمان خود را در ارتباط زنده با مردم قرار می‌دهند.

کسی که نمی‌تواند در کار توده‌ای مشی بسنجد، سازمانگر و وحدت‌بخشی را پیش گیرد، در برخورد با سازمانهای انقلابی نیز از یک مشی تفرقه افکنانه پیروی می‌کند و برعکس، کسی که با اتحاد نیروهای انقلابی مخالف است، بی‌گمان قادر نیست توده‌های وسیع خلق را یکپارچه، متحد و آگاه سازد.

ارتباط گیری با مردم غری است که تنها اثر را در ارتباط زنده با مردم می‌یوان اموخت. وقتی که با مردم حتر و نتر دانته باشیم، وقتی مسائلشان را بناسیم، وقتی انها را برای رف این مسائل بسنج کنیم، و وقتی انها را سازمان دهیم، در می‌یابیم نه‌خوبه باید با مردم سخن گویم. کسانی که برای ارتباطات توده‌ای، دموکراتیک وقت نمی‌گذارند، هیچ‌گاه قادر نشوایند شد، خبر ارتباط بگیرند، را بیاموزند. اثر فاقد ارتباطات مردمی باشیم، در کمان از مسائل ذهنی خواهد شد و سخن گفتن با مردم را فراموش خواهیم کرد.

ارتباط گیری مردمی در خارج از کشور، بی‌بیدگی‌های خاص خود را دارد. ما برای کام برداشتن در جهت گسترش ارتباطاتمان، نخست لازم است تلقی و برداشت خود از توده ایرانیان معین خارج را تسحیح کنیم. ما در مقاله قبلی نشریه، ناهجی به این موضوع پرداختیم. جا دارد در این رابطه مجدداً به یک نکته کلیدی اشاره داشته باشیم. بیش از این نیز کفیم که به دلیل کمبود تجربه در زمینه فعالیت دموکراتیک و کار توده‌ای کسرتده، به دلیل یک سبک کار غلط، بسیاری از فعالین سازمانها، سیاسی در برخورد با مردم فرد، از احاد مردم نخست این سوال را در ذهن خود مطرح می‌سازند که ایابین فرد برای جذب به تشکیلات به‌عنوان سمیات مستعد است یا نه؟ اگر در این فرد زمینه هوادار شدن را ببینند بر روی او وقت می‌گذارند و در غیر این صورت رهایش می‌سازند. این معیار به طور کامل اشتباه است. روایید توده‌ای یک سازمان انقلابی می‌بایست همواره بسیار فراتر از ارتباطات آن با توده هوادار آن باشد. به‌ویژه در خارج از کشور اگر براساس این معیار نادرست عمل کنیم بانگش از یک زاویه بسته، به شدت از دامنه ارتباطات توده‌ای خود می‌کامیم و از قبل دست خود را می‌بندیم. بانگش از این زاویه بسته حتی اگر مینمی را بر جذب هوادار بگذاریم، همواره به دنبال "سبب رسیده" می‌گردیم و حاضر نیستیم رنج باغبانی را تحمل کنیم. ما بدین‌سان تنها قادر خواهیم بود شخصیت افراد را به صورت پدیده‌ای ایستا، در این سویا آن سوی خط قابلیت بالفعال داشتن و یا نداشتن ببینیم. این نگرش، در زمینه فعالیت برای جذب هوادار نیز بسیار کم‌ثر خواهد بود.

ما هر جا که مردم باشند، باید حضور داشته باشیم. باید این توانایی را داشته باشیم که حول

برنامه دموکراتیک آن را می‌پذیرند. یک تشکل دموکراتیک موضوعی دربرگیرنده کسانی است که سرف نخر از محل اقامت خود غلاب صنفی منترکی دارند. مثل انجمن‌هایی از شاغان و نویسندگان، هنرمندان، دانشجویان، بناغندگان، فارغ‌التحصیلان و بزرگان ایرانی یک شهر یا یک کشور. ترکیبی از این دو شکل نیز ممکن است به صورت مستقل و یا در درون یک تشکل بزرگ تر مدید اید. مثل تشکل دموکراتیک از زنان ایرانی یک شهر. این تشکل مدین است تبعه‌ای از انجمن ایرانیان این شهر باشد.

از کجا آغاز کنیم

از کجا آغاز کنیم؟ پاسخ ما به این سوال، اس است: از هر کجا که میسر باشد. نهایت مطلوب، به هیچ‌رو به معنی همین وضعیت و امکانات موجود نیست. مبارزه بیکرانه‌ای لازم است تا امکانات محدود امروز به امکانات مطلوب فردا تبدیل خود. برای ایجاد یک تشکل مرتاسری در یک کشور، باید لازم باشد اولین کام در یک شهرک برداشته شود. کار دموکراتیک و کار توده‌ای با شتابزدگی هم خوانی ندارد. کار دموکراتیک دیرتر می‌دهد و مدت‌ها طول می‌کشد تا در کارنامه فعالیت مبارزاتی یک فرد یا جمعی از افراد، جایگاه چشمگیری بیاید. کام اول همواره گسترش ارتباطات مردمی است. بسیاری از فعالین سازمان‌های سیاسی پیتر و معاشرت با همفکران خود را بر معاشرت بر مردم عادی ترجیح می‌دهند. دیده می‌شود که آن‌ها برای معاشرت با مردم عادی وقتی نمی‌گذارند. عده‌ای حتی برای این کاهلی یک توجیه سیاسی می‌یابند. مثلاً می‌گویند: ایرانیانی که در مسایکی ما هستند، مدتی سلطنت طلبینند و با از فعالیت اجتماعی و سیاسی به شدت گریز آید. اگر همه در خارج از کشور براساس این توجیه حرکت کنند، چه خواهد شد؟ در این صورت حتی کمتر از ۵ درصد ایرانیان در حیطه ارتباطات ما فرار خواهند گرفت. سلطنت طلب‌ها از یک سو و جمهوری اسلامی از سو دیگر برای این کاهلی ما کف خواهند زد. موضوع تنها بر سر خارج از کشور نیست. در داخل کشور نیز با بر اساس آن چه که بالفعل است و آن‌چه که از زاویه سکون هویت می‌باید، حرکت کنیم به هیچ‌رو نخواهیم توانست تدارک یک انقلاب توده‌ای را ببینیم.

برای غلبه بر این تفکر انحرافی، برای غلبه بر این کاهلی نخست لازم است معیارهای ارزش‌گذاری دگرگون شوند. در جنبش هنوز این کرایش نیرومند است که به کسانی از فعالین سیاسی که عمده وقت و انرژی آن‌ها صرف انجام وظایف جاری محوله می‌شود، ارج بیشتری نهاده شود. این گونه افراد هر مفتی می‌توانند سیاهه چشمگیری از فعالیت‌های خود ارائه دهند، اما کسی که خلاقانه به گسترش ارتباطات توده‌ای می‌پردازد، ممکن است مدت‌ها حرفی جز شرح مختصر دیدارها و برخوردهای خود نداشته باشد. در حالی که همه وظایف نیروهای پیشرو به‌خاطر در میان مردم رفتن، با مردم بودن، آگاهی بخشیدن، بسنج کردن و سازمان دادن مبارزه آن‌ها است. همه باید به میان مردم برویم. آن‌گاه که به بیان مردم رفتیم، در خواهیم یافت چگونه به امکانات سرشاری برمی‌خوریم که انجام پیچیده‌ترین وظایف درون سازمانی ما را نیز تسهیل می‌کنند. ما هم اکنون تجربه زنده‌ای را در پیش چشم داریم. کدام یک از عناصر مبارزه در درون کشور، در شرایطی بگرد و مرکوب فاشیستی قادرند خود را حفظ کنند و کار

بی می‌برند که چه کسی به داعیه خود در زمینه دموکراسی وفادار است. عملکرد مجاهدین خلق در خارج از کشور، در این زمینه نمونه‌وار است. آن‌ها آشکارا به مردم امر و نهی می‌کنند و از روی توهم حکفرمایی، هر کس جز خود را خالی اعلام کرده و عده مجازاتش را می‌دهند.

یک تشکل دموکراتیک عرصه مشارکت مردم در یک مبارزه است. عنصر پیشرو از آن‌رو در قوام بخشیدن به یک تشکل دموکراتیک یاری می‌سازند، تا توده‌های وسیع‌تری به مبارزه بگروند و هر یک از آن‌ها گوشه‌ای از کار را بکیرند. مردم با حضور فعال در یک تشکل دموکراتیک واقعی می‌آموزند که چگونه می‌توانند با هم متحد شوند و خود سرنوشتشان را به دست گیرند. نیرویی که بنایت مشارکت دادن هر چه بیشتر مردم در چرخاندن امور یک تشکل حرکت نکند، الفبای مبارزه دموکراتیک توده‌ای و علت وجودی تشکل‌های دموکراتیک را نفهمیده است.

یک تشکل دموکراتیک مظهر وحدت سازمانی چند گروه نیست. عده‌ای خلاف این نظر را دارند و از همین‌رو در خارج از کشور کم دیده نمی‌شود که تشکل "دموکراتیک" وابسته به یک سازمان، هواداران و اعضای سازمان‌های دیگر را نهدید! گویا قاعده بر این شده است که هیچ دو سازمانی با یکدیگر بر سر یک تشکل و یا حرکت دموکراتیک در فلان شهر همکاره نداشته باشند. عده‌ای در اسانامه تشکل‌های "دموکراتیک" خود قیودی را می‌گذارند که تنها یک سازمان سیاسی با هویت ایدئولوژیک معین ممکن است آن‌را در مرانامه خود بگنجانند. این سکتاریسم از قبل تکلیف سرنوشت این "تشکل دموکراتیک" را روشن می‌سازد. عمر آن به اندازه همتشان در پای بندی به دموکراسی کوتاه است.

تشکلهای دموکراتیک

تنها تشکل‌های دموکراتیک قادرند توده ایرانیان در خارج از کشور را گرد خود جمع کرده، در رفع مسایل و مشکلات به آن‌ها یاری رسانند، از ذره ذره نیروی آن‌ها برای اعتلای جو فکری و سیاسی در میان ایرانیان بهره گیرند، دموکراتسم را در آن‌ها

سازمانی که برای اعضای خود هیچ حق دموکراتیکی قابل نیست و در سطح جنبش همه سازمانهای انقلابی را دشمن می‌پندارد، در کار توده‌ای خود نیز تنها می‌تواند از سکتاریسم معض پیروی کند.

تقریبت کند، و توان آن‌ها را در خدمت مبعستگی با مبارزه مردم ایران در داخل کشور قرار دهد. سازمان‌های سیاسی خود قادر نیستند جای تشکل‌های دموکراتیک را بکیرند. اگر آن‌ها چنین گمانی داشته باشند ناچار خواهند شد، وظایفی را عهده دار شوند که بردوش آن‌ها سنگینی خواهد کرد و تنها عده قلیلی را زیر پوش خود خواهد گرفت.

یک تشکل دموکراتیک، یک تشکل جنبی یک گروه سیاسی نیست. تشکل‌های جنبی ممکن است در جای خود لازم باشند اما این گونه تشکل‌هایی توانند جای یک تشکل دموکراتیک مستقل و قائم به ذات را بکیرند.

در خارج از کشور، تشکل‌های دموکراتیک می‌توانند براساس منطقه‌ای و یا موضوعی شکل بگیرند. یک تشکل دموکراتیک منطقه‌ای دربرگیرنده ایرانیانی است که در یک منطقه جغرافیایی معین - یک شهر، یک ایالت و یا یک کشور - اسانامه و

کار دمکراتیک در میان توده ایرانیان

خواسته‌هایی دمکراتیک، افشار دمکراتیک را بسیج کنیم. باید بتوانیم در هر فردی که به لحاظ اجتماعی در درون این افشار می‌کنجد یک هسته تفکر ترقی‌خواهانه و دمکراتیک را بیابیم، همین عنصر مثبت را اهرم قرار دهیم و فرد را به سمت آن چه که تاریخاً می‌بایست شعور اجتماعی او باشد، سوق دهیم. کار آگاه‌گرانه چیست؟ تبلیغ و ترویج به چه منظور است؟ آیا هدف کار آگاه‌گرانه، هدف تبلیغ و ترویج جز آن است که تضاد بین هستی اجتماعی و آگاهی اجتماعی را در راستای هستی اجتماعی، در کلیت یک طبقه خلقی، در کلیت یک قشر، و در کلیت کاراکتر یک فرد حل کند؟ عدم انطباق شعور اجتماعی و آگاهی اجتماعی زیر تاثیر ناآگاهی و تبلیغات بورژوازی و نیروی عادت، یک عدم انطباق کامل نیست. همواره حتی در مجموعه باورهای خام و ابتدایی یک فرد نیز عناصری از آگاهی وجود دارد که منطبق بر هستی اجتماعی اوست. ما ابتدا بر این عناصر تکیه می‌نماییم. ما در تبلیغ کارمان را از صفر شروع نمی‌کنیم. همواره قادریم حتی در ناآگاه‌ترین فرد - که به لحاظ طبقه‌ای به اردوی دشمن تعلق نداشته باشد - اعتقاداتی را بیابیم (نفرت غریبی از بی‌عدالتی، فقر، ...). که منطبق بر واقعیات زندگی او هستند و می‌توانند زمینه ارتقای آگاهی عمومی وی را فراهم نمایند.

در خارج از کشور، ما با طیف وسیعی از مردم مواجه هستیم که اساساً به افشار دمکراتیک جامعه تعلق دارند. در نزد اکثریت این هم‌میهنان می‌توان کم‌تر و یا بیشتر هسته‌های قوی و جاننداری از تفکرات دمکراتیک یافت. چه شروعی از این بهتر؟ مادر روند تبلیغ و آگاهی بخشی افراد را بر مبارزه انطباق می‌دهیم نه بر عکس. ما نخست نیروهای دمکرات را گرد نمی‌آوریم تا پس از آن پرچم مبارزه برای دمکراسی بپیکریم و برافرازیم. ما نخست این پرچم را به اهتزاز نمی‌آوریم، و بیروز خواهیم شد اگر توده‌های هر چه وسیع‌تری را حول آن مجتمع سازیم. افرادی که زیر این پرچم جمع می‌شوند، ممکن است بسیار ناهمگن و یونانی‌بیکری باشند. برخی از آن‌ها ممکن است همین امروز (حتی به صورت موقت!) از زیر پرچم نیروهای ضددمکراتیک بیرون آمده و به ما

به تجربه دیگران بنگرید. به تجربه شیلیایی‌ها، ترکی‌ها، آلمانی‌های در زمان حکومت نازیسم، اسپانیایی‌های بعد از جنگ داخلی، یونانی‌های در زمان حکومت سرنگ‌ها... لازم است همه این تجربه‌ها را فراگیریم.

پیوسته باشند. برخی از آن‌ها ممکن است تنها در چند گام کوچک ما را همراهی کنند. همه این‌ها پیروزی است. اگر یک انقلابی بتواند زیر یک خواسته، امضای افرادی را نیز جمع کند که هنوز به صف کردن‌های خود آگاه انقلاب و ترقی‌نییوسته‌اند، به یک پیروزی دست یافته است. جمع کردن امضای کسانی در زیر این خواسته، که هم اکنون به صورت بالفعل به صف خود آگاه انقلاب گرویده‌اند و یا دست کم با دیده مثبتی به آن می‌نگرند، کار درخشانی نیست. معنای همه این سخنان آن است که اندیشه و تلاش ما اساساً باید بر روی خودمبارزه و در

خارج از کشور بر روی مبارزه دمکراتیک متمرکز باشد. در تشکل‌های توده‌ای، بر روی افراد بحث نکنیم. افرادی آیند و می‌روند. و اگر ما ثابت قدم، بیخبر، هوشیار، رزمنده و آگاه باشیم هر چه بیشتر می‌آیند و هر چه کمتر می‌روند. اگر ما افراد و نه خواسته‌ها را، اگر افراد و نه مبارزه را اساس قرار دهیم، در معرض دو خطر هستیم: یا به جمعی محدود بسنده می‌کنیم و مبارزه‌مان توده‌ای و توده‌گیر نمی‌شود (انحراف به چپ) و یا برای جذب بیشتر افراد، خواسته‌های خود را با توان این افراد تنظیم کرده و در اهداف مبارزاتی خود کوتاه می‌آییم (انحراف به راست).

پیکبری، پیکبری، پیکبری

ما قبلاً بدین سوال که از کجا باید آغاز کرد، چنین پاسخ دادیم: از هر کجا که میسر باشد. در ادامه بحث تأکید کردیم که نخست لازم است ارتباطات خود را با افشار دمکراتیک توده ایرانیان خارج از کشور گسترش دهیم. هر چه بیشتر نیازها و مسایل آن‌ها را بشناسیم.

فدائیان خلق در خارج از کشور همگی کمابیش به آن عرصه‌ای از فعالیت که مستقیماً زیر هدایت برنامه عمومی سازمان است، مسلطند. همگی می‌دانند که در هر شهر و کشوری که هستند باید پیکرانه در جهت سازمان دادن حرکت‌ها و تشکیل مجامعی در جهت حمایت از مبارزه داخل، در جهت افشای چهره کره جمهوری اسلامی در بینه جهان، در جهت دفاع از زندانیان سیاسی در ایران، در جهت افشای جنگ طبیبی رژیم خمینی، در جهت گسترش روابط بین‌المللی و دیگر محورهایی از این دست تلاش نمایند. اما این حقیقتی است که ما علی‌رغم همه کوشش‌ها هنوز به کار در میان ایرانیان در خارج از کشور مسلط نشده‌ایم. ایرانیان مقیم خارج به عنوان توده‌ای از هم‌میهنان ما به خاطر زندگی در تبعید مسایل خاص خود را دارند. ما هنوز با ظرافت‌های کار در خارج از کشور به عنوان کار در خارج از کشور تسلط کافی نداریم.

لازم است همیای گسترش ارتباطات خود با افشار دمکراتیک توده ایرانیان خارج از کشور، دقیقاً مسایل، نیازها و خواسته‌های آن‌ها را بشناسیم. معیار ارزش‌گذاری بر روی این نیازها و خواسته‌ها برنامه عمومی دمکراتیک سازمان است. ما با حرکت بر مبنای این روش و بارعایت اصول کار دمکراتیک - که به سه‌ا، از آن در بالا اشاره کردیم - قادر خواهیم بود حول خواسته‌هایی که عینی هستند و مبرمیت درجه اول دارند و بر اساس معیارهای عمومی ما ترقی‌خواهانه و دمکراتیک محسوب می‌شوند، دامنه فعالیت دمکراتیک خود در میان ایرانیان را گسترش بخشیم. نیروهای فعال هر منطقه، هر شهر و هر کشور، خود می‌توانند ضمن وسعت بخشیدن به دامنه شناخت‌های عینی خود، تشخیص دهند که کدام کاربایه قادر است مبنای یک حرکت گسترده دمکراتیک باشد. در این مورد که چه ساله‌ای در صدر قرار گیرد، در این مورد که چگونه کام‌های بعدی برداشته شود و در این مورد که با نیروها، ضددمکراتیک خود آگاه و با فریب‌خورده چگونه برخورد شود، نمی‌توان یک فرمول فراگیر تنظیم کرد. تنها با شناخت عینی از جو و ترکیب ایرانیان در یک

منطقه و یا مجموعه کسانی که علایق صنفی مشترکی دارند، می‌توان به کاربایه دقیقی دست یافت و مراحل اجرای آن را معین کرد. در راه تحقق بخشیدن به این کاربایه مطلقاً باید شتابزدگی را کنار نهاد و بلندپروازی نکرد. سنگ بزرگ برداشتن علامت نژدن است. ما سال‌ها در زیر سایه دیکتاتوری‌ها زندگی کرده‌ایم. فرهنگ دمکراتیک، فرهنگ کار دمکراتیک و فرهنگ فعالیت صنفی در جنبش بسیار ضعیف است. این ضعف مهم‌ترین ممانعی است که در برابر ما قرار دارد. مدت‌ها لازم است تلاش کنیم تا بتوانیم یک فرهنگ دمکراتیک واقعی را در میان یک

ما علی‌رغم همه مشکلات نباید از ضرورت اتحاد چشم‌پوشی کنیم. اتحاد صرفاً به خاطر جمع کردن نیروی بیشتر حول یک کار بایه دمکراتیک نیست. شعار اتحاد شاخص اساسی فعالیت دمکراتیک است. نیرویی که به هر دلیل شعار اتحاد را از برنامه خود بزداید، پیش از آن لازم است اصول دیگری را زیر پا بگذارد.

جمع، جا بینه ازیم.

پیکبری، پیکبری، پیکبری بدون پیکبری هیچ کاری از پیش نمی‌رود. ما برای رسیدن به آن چه که مطلوب است، آن چه که در پتانسیل ایرانیان مهاجر می‌کنجد، موانع زیادی در پیش داریم. این موانع را باید با پیکبری از میان برداریم. در خیلی از شهرها و کشورها ما ناچاریم فعالیت خود را از ارتباطات ساده و جمع‌های محدود شروع کنیم. با پیکبری قادر خواهیم شد فعالیتیمان را گسترش بخشیم و از تک تک موانع بگذریم. هر چه متحدتر باشیم میزان موفقیتیمان بیشتر و سرعت حرکتیمان تندتر خواهد بود.

سخن از اتحاد به میان آمد. ما علی‌رغم همه مشکلات نباید از ضرورت اتحاد چشم‌پوشی کنیم. اتحاد صرفاً به خاطر جمع کردن نیروی بیشتر حول یک کار بایه دمکراتیک نیست. شعار اتحاد شاخص اساسی فعالیت دمکراتیک است. نیرویی که به هر دلیل شعار اتحاد را از برنامه خود بزداید، پیش از آن لازم است اصول دیگری را زیر پا بگذارد، از آن جمله است اصل ضرورت گسترش مبارزه دمکراتیک.

مخاطب این نوشته همه فعالین انقلابی است. ما همه سازمان‌های ترقی‌خواه، همه مجامع و محافل دمکراتیک در خارج از کشور، همه شخصیت‌ها و افرادی را که مسلولانه به سرنوشت بیش از دو میادون تن از هم‌میهنان تبعیدی و یا علق تبعیدی خود می‌اندیشند، فرامی‌خوانیم تا همگی، به تخرک بیشتر بر خیزیم، با کنار گذاشتن تنگ نظری‌ها روح مبارزه در خارج را تقویت کنیم و از این طریق نیز صدای خلق‌های خود را پرطنین‌تر به گوش جهانیان برسانیم. تلاش کنونی ما به هیچ رومتناسب با توان و امکانات ما و ابعاد مسایلی که در کشور ما جریان دارد، نیست. به تجربه دیگران بنگرید: به تجربه شیلیایی‌ها، ترکی‌ها، آلمانی‌ها در زمان حکومت نازیسم، اسپانیایی‌ها بعد از جنگ داخلی، یونانی‌ها در زمان حکومت سرنگ‌ها... ما لازم است همه این تجربه‌ها را فراگیریم. ما واقعا قادریم در این زمینه، نام مبارزان ایرانی در تبعید را نیز مثل زدن کنیم. ما واقعا قادریم از تبعید، بیش از این‌ها به مبارزه خلق‌های ایران یاری رسانیم و بیش از این‌ها عرصه را بر حکومت سیاه جمهوری اسلامی، تنگ کنیم.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

طرح رنج یک چهره



وقتی دم در او را دیدم، سلام کرد و دم در ماند. چهره سیه چرده اش با آن شیارهای رنجی که در آن دویده بود، توی آن چادرسیاه ورنک و رورفته و نخ نمایش، درنگاه اول، عبق رنجی توان فرسا را در ذهن تداعی می کرد. اگر شفافیت چشمانش رنگ باخته بود، می پنداشتی بیشتر از پنجاه سال دارد. سرخ یکی از همسایه هایم را می گرفت. از شنیدن خبر سفر همسایه ام چهره اش عمکین تر شد و تنها آهی کشید. به نظر می رسید نای سر پایستادن را ندارد. گفتم: "انکار حالتان خوب نیست. مریض هستید؟" گفت: "س راه به اینجا آمیول زدم." گویا چند روز پیش هم آمده بود. به او گفتم: "سعی کنین صبح شنبه بیایین. تا آنوقت از مسافرت بر می گردن." از شنیدن حرفهایم چهره اش اندکی باز شد. گفت: "من که حتما می آم." و خداحافظی کرد و رفت.

طرح چهره رنج کشیده اش، از آنروز که دیده بودمش توی ذهنم بود. وقتیکه همسایه ام برگشت از آن زن برایشان گفتم. یکی از آنها وقتی کنجکاوی مرا برای شناخت رنجهای او دریافت، گفت: "استش صغری است. طوری که خودش می گفت، دو سه سالش بود که پدرش مرد. مادرش او را همراه با خواهر کوچکترش می بره دزفول پیش دای صغری. چند سال بعد، مادرش می میره. صغری پیش دای اش می مانه و در سن دوازده سالگی او را به عقد پسر دای سی و سه ساله اش درمی آورن. حالا، پنج تا بچه قد ونیم قد داره. فقط پسر اولیش مدرسه می ره. بعد از جنگ خانه و کاشانه ویران شده و جل و پلاس ناچیزشان را کولشان کردن و اومدن تهران. شوهر پیر و مریض اش حالا بیگاره. مث اینکه مرز گاهی اینجا و اونجا کاری پیدا می کنه و کار می کنه. حالا فقط این زن بیچاره اس که باید به دردی برزنه، تازون بخور و نمیری برای بچه های تهیه بکنه. توی خونه ها رفت و روبر و رختشویی و از اینجور کارها می کنه. گاهی هم خونه ما می آد." پرسیدم: "خونه اش کجاست؟ از کجا می آد؟" گفت: "توی جاده قدیم کرج، ته یک فرعی خاکی. اتفاقا روز اول که اومده بود خونه ما کارش تا دمدمای غروب طول کشید. مانده بود که چطور بره خانه اش. دلواپس بچه هایش بود. می گفت تا حالا هیچی نخوردن. باید برم برایشان شام بپزم. اما از تنهارفتن واهمه داشت. می گفت محل مرون ناامنه. آنجا افغانیها زیادن. بالاخره با ماشین شهرم بردیمش. از سر جاده تا خونه اش، خونه که چه عرض کنم تا

که پیش بیاد" با اکراه جواب می داد. پرسیدم: "اهل کجایی؟" گفت: "جنت زده ایم. قبلا خونه و زندگی داشتیم. شهرم با پدر شوهرم کشاورزی می کردن. به باغ کوچیک داشتیم. زمستونها رادیو ساعت و ایندور چیزها می فروختن، وضع مان زیاد بد نبود. وقتی جنت شروع شد، ما هم اواره شدیم. هیییی برامان نماند. نه خونه، نه باغ... پدر شوهرم زیر اوار ماند و مرد. حالا پنج ساله که اومدیم تهران. اول رفتیم بنیاد مستضعفان که بما کمک کنن. گفتن که شوهرت باید بره دنبال کار. "حرفش را قطع کرد و زل زده کف اتاق. دیتر نمی خواستم بیشتر از این رنجهایش را بخاطرش آورم. چایی اش سرد شده بود. چایی را با عینله خورد و پا شد و خداحافظی کرد و رفت.

صغری بعد از چندین بار رفت و آمد با ما صمیمی شده بود. هر بار که می آید، کلی درد دل برای بازگفتن دارد. حالا دیتر راحت حرف می زند: "وقتی داشتم می اومدم بچه ش ماهه ام را شیر دادم و خوابوندم. بچه خوب و آرامی است. شوهرم مواظبشان است. پسر بزرگم که مدرسه می ره، دیروز می گفت، مامان شما خیلی کار می کنین. برامون لباس و غذا می آریین. وقتی من بزرگ شدم برات خونه می خرم و خودم تکهت می دارم. دخترتم به باباش می که، تو برامون هیچی نمی آری، مامان برامون غذا می آره. لباس می آره. عروسک می آره... راستش اگه از خونه مردم براشون غذا نبرم. سال به سال رتک گوشت و برنج را نمی بینن. من که نمی تونم جنس های کوبنی تهیه کنم. تا از خونه پیام سر جاده، مردم برای گرفتن گوشت و ایندور چیزها به کیلومتر صف کشیده ان. تا می آم می کم جنت زده ام، همه هوارشان می ره آسمان که ماهه جنت زده ایم، از جنت زده هام جنت زده ترییم... بعضی وقتها توی خونه حسابی اعصابم داغون میشه، از حرص بچه ها را می زنم. اینروزها خیلی غصام می گیره. من که دیگه داخل آدم نیستم. حسابی مریضم. مرض زنانه هم دارم. دکتر رفتم نسخه نوشت، چهار روز به این درو آن در زدم پیداش نکردم. روز بروز وضع مان بدتر میشه. نمی دوتم آخر سر چه بلایی سرمون می آد. منکه عمرمو کردم. بچه هام، بیچاره بچه هام هنوز آب و گل بیرون نیومدن. ما خیلی بیچاره ایم ما خیلی بدبختیم، ما جنگ زده ایم..."

حمام نمی بری؟ گفت، اون خراب شده که ما زندگی می کنیم، خانم من حمام اس؟ از خونه مون تا نزدیکترین حمام سه چهار کیلومتر راهه. شوهرم ما را با موتور به حمام می بره، زمستون که میشه، می ترسم بچه ها را حمام ببرم. بعد از حمام که سوار موتور می ش، توی باد سرد زمستان ذات الریه می گیرن." ناگهان تشنجی چهره همسایه ام را پرشاند. اکتار خاطره تلخی به یادش آمد: "راستش خانم احمدی میدونستی صغری دوتا از بچه هایش را توی همان آلودگی بدنیا آورده و خودش بند نافشان را زده؟" برای من باور کردنش مشکل بود. همسایه ام بعد از اندکی مکث ادامه داد: "صغری خودش می گفت چند ساعت قبل از زایمان آب روی چراغ می دارم تا گرم بشه، وقتی درد بیشتر شد، بچه ها را از اتاق بیرون می کنم و بعد از زایمان بند نافش را می زنم و بچه را با آب گرم می خورم و بعد دراز می کشم و بچه ها را صدامی زنم بیان توی اتاق. راستش منم تا اون وضع خونه اش رو ندیده بودم اصلا باورم نمی شد..."

آنروز بالاخره صغری آمد. از دیدن همسایه ام خیلی خوشحال بود. با آنها برای کار در خانه شان قرار گذاشت. می خواست بروه، تعارف کردم، نشست و برایش چای ریختم. خیلی دلسم می خواست از زبان خودش داستان رنجهایش را بشنوم. گفتم: "صغری خانم شهرتان کار می کنن؟" بعد از اندکی تأمل گفت: "بله خانم." بعد ساکت شد. گفتم: "چکار می کنه؟" گفت: "هرچی



۱۹۸۶: یوجین هازنفوس، مستشار نظامی آمریکایی در ماموریت کمک رسانی به ضد انقلابیون و با سرنگونی هواپیمایش، به اسارت انقلابیون در آمده است. متجاوز را عاقبتی جز این نیست.

دو تصویر و یک درس

چه آموزنده است تاریخ، و چه بی استعدادند مدافعین طبقه رو به زوال! دو تصویر، که دو رویداد را ثبت کرده‌اند. دو رویداد، که میانشان بیش از یک دهه فاصله است، اما یک درس را می‌آموزند، در دوران ما، در برابر خلقی متحد، امپریالیسم تنها شکست درو می‌کند. نه شکستی با شکوه و با سرفراشته، نه! شکستی که با سرفکنندگی همراه است. شکستی که شکست معنوی نیز هست.

ویتنام، در بهجوجه بمباران جنایتکارانه خلقی پیا خاسته توسط ارتش تجاوزکار آمریکا، خلبان درشت اندام یک هواپیمای ساقط شده آمریکایی به دست یک دختر ویتنامی اسیر شده است. نیکاراکوئه، اکتبر



عدالت يك تومانی

بهشت چندان گران نیست. خانه‌ای شش دانگی در آن را می‌توان با یک تومان خرید. پنج تومان اگر بدهی زن و بچه‌ات را نیز می‌توانی با خود ببری. نقال در ازای سکه‌ای به توسعادت آن دنیا را می‌بخشد. خسته از سرکار آمده‌ای و درمانده. جیبیت خالی است. نصیبیت از این دنیا این است. به سرای باقی بیندیش. دنیای فانی گران است. صبح تا غروب هم چنان بکنی در این وانگاش می‌توانی قاتق نانت را فراهم کنی. اما بهشت ارزان است. همه جا می‌فروشندش. در پای منبر و این روزها حتی در جعبه جادویی، در جعبه کلیدش را هم تحویل می‌دهند. برده دار نیز در سر کوفه بهشت را ارزانیست می‌کند، بهشت را و عدالت را. عدالت! ششیری عریان بر روی برده‌ای رنگارنگ. ظلم دوشفته شده است. اما این ششیر را که می‌تواند در فضا به گردش درآورد؟ کار ما نیست. نقال چنین می‌گوید. اما تو یاد آن یک تومان به نقال می‌توانی نصیب خود را از عدالت موعده، تضمین کنی.

حال با خیال راحت به خانه می‌روی. آسوده شده‌ای، خستت فرونشسته است. این دنیا را به دنیا داران وامی‌نهم. آخرت از آن من است. در برده بنگرید. دنیا داران را در دیگ‌های جوشان خواهند ریخت، هیزم جهنشان خواهند ساخت، مار در کاسه چشمان لانه خواهد کرد و مرغ آتشخوار بر چکرشان منقار خواهد زد. چه معامله خوبی! با یک تومان از همه انتقام گرفتیم. حال، صبور باید باشیم و دم بر نیاریم. به مال دنیا نباید خود را آلود. برپای منبر هزار بار این را شنیده‌ایم، از همان "آقا"یی که امروز هزار دید به و کبک دارد. همه این را می‌گویند. مرد نقال نیز این را می‌گوید. سکه را می‌ستانند و می‌گویند به آخرت بیندیش! واقعا معامله خوبی است. همه چیز را می‌ستانند تا آخرت را نصیب سازند. بگذار بستانند. مدیر مکتبی کارخانه قوت بازویم را می‌گیرد و جیبه نیز جانم را. اما همه به من بهشت را ارزانی می‌کنند. ارزان ارزان، مغت مغت.



حکایات و روایات

لودویگ وان بتهوون (۱۷۷۰-۱۸۲۷)

کاغذمانامه‌ای فرستاد، بتهوون جواب او را بر روی کاغذی بانام خود فرستاد و درکنار اسم خود نوشت، "صاحب مغز".

* * *

در یک ضیافت، از آهنگسازی بسیار تمجید می‌کردند. بتهوون می‌دانست که آهنگساز مزبور، می‌کوشد کیفیت نازل کار خود را از طریق کمیت زیاد بیوشاند. وقتی حاضرین گفتند که آن آهنگساز، نه تنها روزها، بلکه شبها نیز کار می‌کند، بتهوون با حالتی متفکر پاسخ داد، "عجب انسان خوبی است. خواب را از خودش می‌دزد تا به دیگران بدهد."

* * *

بتهوون نخستین اجرای آخرین سفوئی خود - سفوئی نهم - را خود زهبری کرد. پس از آنکه اجرا به پایان رسید، موجی از کف‌زدنها و ابراز احساسات شدید حضار را در بر گرفت. میهمانان پهاخاسته بودند، فریاد تحسین برمی‌آوردند، دستپایشان را تکان می‌دادند و به روی صندلیها می‌رفتند. اما بتهوون، سر فرود آورده و آرام رو به آرکستر ایستاده بود. بالاخره یکی از نوازندگان به خودجرات داد و آهنگساز را به سوی جمعیت برگرداند.

همه، عمق تراژدی بتهوون را دریافتند و آهنگساز ناشنوا، نه اثر تاریخی خود را شنیده بود و نه تشریح میمانند حضار را. برای بتهوون روی یکی از همین

لودویگ وان بتهوون که نخست از ناپلئون بناپارت جمهوریخواه طرفداری می‌کرد، باجلوس بناپارت بر تخت امپراتوری از او رو گردان شد. وقتی در سال ۱۸۱۲

ستاره بخت ناپلئون در میدانهای جنگ رو به افول بود، بتهوون تصمیم گرفت یک سفوئی نظامی به افتخار اتریشی‌ها بنویسد. وی برای الهام گرفتن، به تماشای مانوری در نزدیکی وین رفت. اما از بخت بد، کم شد و ناچار گردید پیاده به وین بازگردد.

وقتی خسته و کوفته شبانگاه به نزدیکی شهر رسید، ژاندارمی جلوی او را گرفت و از او برگه هویت خواست. بتهوون ناشنوا، نفهمید ژاندارم چه می‌گوید و به عنوان ولگرد به زندان افتاد. او چند روزی را در دهمه‌ای تاریک گذراند. پس از آزادی، دوستانش از او پرسیدند چرا سفوئی نظامی خود را نمی‌سراید. بتهوون پاسخ داد، "منصرف شدم. وقتی انسان گرسنه و تشنه به زندان بیفتد، زرق و برق ارتش دیگر در نظرش جلوه‌ای ندارد."

* * *

برادر بتهوون داروساز بود. او به زحمت بسیار توانسته بود پولی دست و پا کند و ملکی بخرد. برادر آهنگ ساز، به ملک خود بسیار مباحثات می‌کرد و برای خود، کارت ویزیت و کاغذنامه با ذکر عنوان "صاحب ملک" بدنبال نامش چاپ کرده بود. روزی وی برای بتهوون روی یکی از همین

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره تهاجمات رژیم از فدائیان خلق حمایت کنید!

بقیه از صفحه اول

این تلاشهای ددمنشانه چیزی برای افزودن بر عمر رو به پایش بدست می آورد!

هم میهنان آگاه و مبارزان!

علیرغم سالیات تهاجم خونین رژیم خمینی به نیروهای انقلابی و مردمی، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) توانست با حفظ تشکیلات و وحدت رزمنده صفوف خود، فعالیت انقلابی خویش را در زیر چتر خفقان قاطعانه تداوم بخشد و مستحکم ترین سنگر انقلاب در داخل کشور گردد. شعارها، اعلامیه ها و نشریات سازمان ما، با همه تلاشهای رژیم بطور مرتب در کشور پخش شده و نقاب از چهره نیرنگ باز و پلید ارتجاع حاکم بر گرفته است. فعالیت سازمان یافته فداییان خلق در میان کارگران و دیگر زحمتکشان کشورمان بدون وقفه پیش رفته است و در اغلب اعتصابات و تظاهرات کارگران و زحمتکشان فداییان حضور موثر خود را نشان دادند. به همین علت قطع فعالیت سازمان ما به یکی از آماج های عمده رژیم در راستای تلاش آن برای سرکوب و نابودی مجموع جنبش

انقلابی و مردمی ایران تبدیل شده است.

دشمنی رژیم خمینی با فداییان خلق از دشمنی کین توزانه آن با کارگران و زحمتکشان و با همه خواسته های آرزوهای برحق شما سرچشمه گرفته است. این رژیم می خواهد اعتراض مبارزه علیه جنسی ویرانگر، علیه اختناق و سرکوب، علیه بیکاری و گرانی و علیه ستم و بهره کشی را خاموش سازد. می خواهد شما را که دلیرانه و قهرمانانه رژیم ستمشاهی را سرنگون کرده اید به رژیم ستم آخوندی تسلیم کند. اما خمینی و رژیم او هم مثل شاه و رژیمش این آرزو را بگورمی برند.

هم میهنان مبارزان!

رفقای فدایی!

فداییان خلق فرزندان رزمنده مردم مبارز کشور خویش اند و پیشاپیش کارگران و زحمتکشان و همه مردم صلح دوست و ترقیخواه ایران تا آخرین نفس و تا نابودی کامل رژیم بهره کشی و ستم نبرد خواهند کرد. فداییان خلق شکست ناپذیرند. چرا که کارگران و زحمتکشان

شکست ناپذیرند. فداییان خلق به قدرت حامی مردم بیباخته و به سنت های حامی خویش در نبرد سازش ناپذیر با دشمنان خلق مجهزند. فداییان خلق با تکیه بر این سنت ها و در بزرگوار فروغ عشق و ایمان به آزادی و بهروزی مردم، در برابر تهاجمات رژیم ارتجاع هر چه استوارتر می ایستند و این تلاشهای ددمنشانه و محکوم به شکست را با تشدید بیکار انقلابی در راه صلح و دموکراسی، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برپایی حاکمیت انقلابی خلق پاسخ می گویند.

برای در هم شکستن تلاشهای سرکوبگرانه رژیم علیه توده های خلق و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه، برای تأمین صلح و آزادی و سرنگونی ارتجاع متحد شویم!

زنده باد صلح، زنده باد آزادی سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد حاکمیت انقلابی خلق کمیته مرکزی

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

۱۵ مهر ۱۳۶۵

سفرهای خارجی تیم های ورزشی ممنوع شد

نارضایتی ورزش دوستان و ورزشکاران افزوده است. رکوردها و نتایج فضاحت بار ورزشی در جریان مسابقات آسیایی سئول، استغفای ۱۴ تن از بازیکنان فوتبال اعزوبیت در تیم ملی، بلافاصله پس از بازگشت از مسابقات آسیایی و عدم بازگشت ۴ تن از ورزش برداران به کشور به روشنی نتایج سیاست های رژیم در عرصه ورزش را عیان ساخت. همان گونه که در نشریه اکثریت شماره ۱۲۹ گزارش جوانان ورزش دوست، اعتراض خود به سیاه کاری های جمهوری اسلامی در عرصه ورزش را به شکل تظاهرات گسترده خیابانی به نمایش گذاشتند. به دنبال مسابقه فوتبال بین تیم های برزیلیس و ملوان، در روز ۱۸ مهرماه، جوانان ورزش دوست از ورزشگاه به خیابان ها آمده و با شعارهای خود مسئولین ورزشی کشور و سپس شخص خمینی را آماج کین و نفرت خویش قرار دادند. ناتوانی در مقابله با حرکات

به دنبال لغو سفر چندین تیم ورزشی به خارج از کشور، سرپرست تربیت بدنی جمهوری اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی، رسماً ممنوعیت اعزام تیم های ورزشی به خارج از کشور را اعلام کرد.

احمد درگاهی، معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی در روز سی ام مهرماه در مصاحبه ای با خبرنگاری جمهوری اسلامی گفت: "تیم های ورزشی ایران تا برقراری امنیت کامل در خارج از کشور، به مسابقات خارجی اعزام نمی شوند." این تصمیم به دنبال وقایع اخیر در جریان مسابقات آسیایی در کره جنوبی و تشدید ناآرامی در محافل ورزشی کشور اتخاذ شده است.

سیاست های ارتجاعی رژیم در عرصه ورزش و به نابودی کشاندن آن، بکارگیری مهره های قشری و بی صلاحیت، باندهای فاسد، سرکوبگری و خفقان در محیط های ورزشی و عواملی از این دست وسیعاً به

قهرمان بکس آسیا بدست یکی از اعضای جنایتکار سپاه به قتل رسید

بدنبال پیدا شدن چند "التفات طالبی کلخوران" قهرمان بکس ایران و آسیا و برنده دستکش طلایی "نوادا" در بیابانهای شهرک غرب فاز چهار، یکی از جنایات اعضای سپاه پاسداران برملاند. اواخر مردادماه "اصغر جباری" عضو سپاه و جزو محافظین نماینده خمینی در اصفهان، در بی تحقیقات اداره آگاهی، بجرم قتل "التفات طالبی" دستگیر شد. وی ضمن اعتراف به قتل قهرمان بکس آسیا، برده از کلاهبرداریهای دیگری نیز برداشت. او اعتراف کرد که قبلاً از خانواده ای که زندانی سیاسی داشته، مبلغ ۲۵۰ هزار تومان با وعده آزادی زندانی شان پول گرفته بود. بدنبال آزاد شدن زندانی مزبور و بیگیری خانواده اش در باز پس گرفتن پول، جباری، به سراغ "التفات طالبی" که با وی نسبت فامیلی دوری داشته، می رود. وی مقتول را با این حيله که معادل بانصد هزار تومان، می خواهد برای او ارز ارزان بخرد، به خانه ای در اطراف فرحزاد می برد و در نوشابه وی، داروی بیبوشی ریخته و با ماشین خود به اطراف شهرک غرب می برد و با اسلحه کمری او را به قتل رسانده و پولش را می رباید.

بعد از اطلاع خانواده مقتول از هویت قاتل، آنها بمنظور درج خبر به روزنامه کیهان مراجعه می کنند. کیهان از درج خبر امتناع می کند. یکی از اعضای هیات مدیره کیهان می گوید: چون قاتل عضو سپاه است با توجه به اینکه بعد از درج خبر احتمال تهییج احساسات مردم علیه سپاه پاسداران وجود دارد، ما نمی توانیم خبر درج کنیم.

رژیم کوشید مراسم ختم این قهرمان ورزشی بی سروصدا برگزار شود. اما اهالی محله اش (خیابان منوچهری) در تاریخ ۲۲ و ۲۵ مرداد مراسم یادبود باشکوهی برای قهرمان بکس آسیا برگزار کردند. این مراسم، به عرصه ای برای ابراز تنفر مردم از سپاه ضد مردمی خمینی تبدیل شد.

با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید!

گسترده اعتراضی جوانان ورزش دوست، رژیم را در پیشبرد و ادامه سیاست های ارتجاعی اش در عرصه ورزش دچار سردرگمی ساخته است. این امر از گفتار سرپرست تربیت بدنی جمهوری اسلامی که در الملاقات سی ام مهر درج شده است هویدا است. روزنامه مزبور نوشته است: "درگاهی حرکت تعدادی از فوتبالیست های تیم ملی را غیرعقلایی خواند و افزود: به نظر من اگر هم انسان حقی برای خود قابل باشد، نباید آن را با برآشفته کردن جو و دامن زدن به بعضی از مسایل بازستاند... تقاضای من این است که رسانه های گروهی در این شرایط رسالت حساس خودشان را درک کرده و از انتشار بعضی مسایل به طور بی محابا خودداری نمایند... ماهه راحتی می توانیم حساس ترین مسابقات را در یک جو سالم برگزار کنیم. اما در غیر این صورت دشمن که درصد ضربه زدن به ما است با وسوخ در میان تماشاگران و علاقمندان ورزش و ورزشکاران، با سو استفاده از احساسات پاک مردم، دست به آشوب می زندند." ●

شهادت دوتن از اعضای راه کارگر توسط رژیم عراق

بنابها خبر منتشره در نشریه راه کارگر شماره ۲۱، دوتن از اعضای سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - رفقا علی رضا مدیری و حمید زارع پور - به دست ارتش عراق به شهادت رسیدند. متن خبر راه کارگر پیرامون این تبهکاری رژیم عراق چنین است:

"در تاریخ ۱۲ شهریورماه ۵۵، حیرت جتلی میان ارتش عراق و اتحادیه میهنی کردستان (عراق)، یکی از مقرهای سازمان ما در منطقه، توسط ارتش عراق کلوله باران شد و در

جریان آن متأسفانه دوتن از رفقای قهرمان ما به شهادت رسیدند. ما این اقدام ضد انسانی را محکوم می کنیم. نشریه راه کارگر به دنبال این خبر، زندگی نامه مبارزاتی رفقای شهید را درج کرده است.

ما نسبت به این جنایت رژیم سفاک عراق، که دستاخش تا مرفق به خون هزاران تن از انقلابیون کمونیست و دیگر نیروهای ملی و مبارز آغشته است، ابراز انزجار می کنیم.

راه کارگر و سنت فدایی

راه کارگر با سنت فدائی رای یک "سو تفاهم" نامید و نوشت: "برای برخی این سو تفاهم پیش آمده است که گویا ما با سنت فدائی سرستیز داریم و می خواهیم آن را نابود کنیم!" نشریه سپس برای رفع "سو تفاهم" خوانندگان خود نسبت به مندرجات راه کارگر تئوریک اعلام داشت: "ما نه با سنت فدائی سرستیز داریم و نه خواهان متلاشی شدن سازمانهای سیاسی هستیم."

اشاره ارکان سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به خواستی مبنی بر "متلاشی شدن سازمانهای سیاسی" مربوط به نظری است که مکرراً در ارکانهای انتشاراتی این سازمان بازناب یافته است. مثلاً در راه کارگر تئوریک شماره ۲ نوشته شده بود "متلاشی شدن" سازمان ما، حزب توده ایران و گروه منشعب از سازمان ما (پیروان بیانیه ۶ آذر) "دقیقا در راستای منافع پرولتاریا و نه تنها فرقه خودمان" است.

نشریه راه کارگر شماره ۲۱ (مهرماه ۶۵) نوشته است که "موضوع ما در قبال "سنت فدایی"، موجب "سئوالاتی در اینجا و آنجا شده است." موضوع گیری راه کارگر در قبال سنت فدایی در نشریه راه کارگر تئوریک (شماره ۴) آمده بود که طی آن سنت فدائی "وسیله ای برای انسجام پوپولیسم بورژوا فرمیستی" نامیده شده بود. راه کارگر تئوریک هم چنین کوشیده بود دفاع از سن فدائی را توسل به "پوپولیسم نهضت فدائی" قلمداد کند و نتیجه بگیرد "آن کس که امروز به پوپولیسم نهضت فدائی سالیهای قبل از انقلاب بهمین توسل می جوید، در واقع نه به شی دمکراتیک انقلابی بلکه به شی بورژوا فرمیستی رای داده است" و "مبادی جنبش پوپولیستی فدائی... امروزه دیگر... حتی برای قرار گرفتن در صفوف نهضت دمکراتیک و انقلابی کافی نیست."

راه کارگر شماره ۲۱ در پاسخدهی به خوانندگان خود، ستیز

مطالبی که در این صفحه می خوانید، حاوی خبرهایی در مورد احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیت های سیاسی مختلف طیف اپوزیسیون و نیز بازناب دملته نظریات آنان در خصوص مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی ایران بر اساس مجموعه نشریات و اعلامیه های است که از سوی این نیروها در خارج از کشور چاپ و پراکنده می گردند.

مادر صفحه "خبرها و نظرها" که در رابطه تکاگانگ با دیگر صفحات نشریه در خدمت ترسیم همه جانبه فضای سیاسی کشور است ناگزیر هستیم هم به نیروهای اپوزیسیون انقلابی و هم اپوزیسیون ضد انقلابی بپردازیم. بازناب دادن نظریات و خبرهایی پیرامون نیروهای کم تاثیرتر در جنبش نیز در این صفحه تنها به منظور نشان دادن گرایش های متنوع و اطلاع همه خوانندگان بر وجود آن هاست. بر این مبنا روشن است که صرف انعکاس یک رویداد و یا نظر در این صفحه، لزوماً به معنی اهمیت آن رویداد یا آن از سوی ما نیست.

در کردستان عراق

توسط ارتش عراق در ماه های اخیر چندین بار تکرار شده است. طی این عملیات ارتش عراق، عده ای از اعضای این سازمانها به قتل رسیدند. علاوه بر این تعرض نظامی ارتش ترکیه به کردستان عراق در شهریورماه و خطر تهاجمات تازه تری به اعماق خاک کردستان، بر حساسیت اوضاع این منطقه افزوده است.

هم چنین رژیم خمینی که مداخلات خود را در شمال خاک عراق افزایش داده، اعظم داشته است که نیروهای اتحادیه میهنی با نیروهای مسلح رژیم در پیشبرد عملیات تجاوزکارانه همکاری می کنند. این خبر از سوی اتحادیه میهنی تکذیب نشده است.

مجموعه عوامل فوق به یغریج تر شدن اوضاع و مناسبات میان نیروهای موجود و موثر در این منطقه انجامیده است.

رادیوی "اتحادیه میهنی کردستان" عراق روز ۲۲ مهر ماه مدعی شد که در روز ۱۵ مهرماه نقرات مسلح سازمان مجاهدین همراه با ارتش عراق به افراد مسلح اتحادیه حمله کردند. پیش از این سازمان مجاهدین خبر درگیری این روز را که به کشته شدن ده تن از مجاهدین منجر گردیده اعلام داشته بود. خبر رادیویی اتحادیه میهنی مبنی بر همکاری سازمان مجاهدین در عملیات مسلحانه با ارتش عراق در روز ۱۵ مهر، به شدت از سوی این سازمان تکذیب گردید.

از سوی دیگر برخی از سازمانهای سیاسی ایرانی و از جمله سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) اعلام داشته اند که ارتش عراق مقر نیروهای آنان را در کردستان عراق کلوله باران کرده است. کلوله باران مقر سازمانهای ایرانی در این منطقه

نگرانی های آقای بنی صدر!

رفسنجانی بایک آلترناتیو آمریکائی در عراق، روزنامه انقلاب اسلامی وانمود می کند که این خطر مطرح است عراق "در حیطه نفوذ روسیه" قرار بگیرد.

این روزنامه در پی آن هشدار می دهد در صورت "قرار گرفتن عراق در حوزه قدرت جهانی ابر قدرت روس، ایران مثل کبوتری در کام اژدهای روسی، مدتی پری برمی زند و در کلوش می افتد!"

"کریبند سرخ" عنوان مقاله ای است از روزنامه انقلاب اسلامی که ظاهراً به منظور بررسی تحولات مربوط به جنگ ایران و عراق نوشته شده است. این روزنامه که صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن ابوالحسن بنی صدر است در ادامه تبلیغات ضد کمونیستی، کوشیده است حول این شعار تبلیغاتی کهنه محافل ضد کمونیستی که "روسها دارند می آیند" داستان رثائی کند. چند ماه پس از اعلام موافقت

جمهوری اسلامی در این خصوص اظهار داشت که جمعیت کل کشور بالغ بر ۴۸ میلیون و پانصد و نود هزار نفر برآورد شده است.

* اطلاعات ۵ آبان - مهدی نواب معاون وزارت اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی در اس هیاتی به منظور ادامه مذاکرات جمهوری اسلامی و فرانسه، وارد پاریس شد. این سومین سفر مهدی نواب به پاریس بوده و در پی ملاقات ۸ ساعته وزیر خارجه فرانسه و ولایتی در نیویورک، صورت می گیرد.

* انفجار یک بمب در شهر سردشت ۱۸ کشته و زخمی برجای نهاد.

رسیدگی به اسناد پزشکی در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که بر اساس تعرفه های جدید نرخ خدمات پزشکی و آزمایشگاهی در کشور افزایش یافته است. بر اساس این دستور العمل جدید بیماران بیمه شده نیز موظفند تا ۲۰۰ ریال مابه التفاوت به پزشکان بپردازند.

* رادیوی دولتی ۹ آبان - ولایتی وزیر امور خارجه در اس هیاتی به سوریه سفر کرد.

* سخنگوی ستاد سرشماری عمومی نفوس و مسکن اعلام کرد که سرشماری عمومی که از ۱۶ مهرماه آغاز شده بود به پایان رسیده است. رادیوی دولتی

بقیه از صفحه ۴

از رویدادهای ایران

مساله فکر خواهد کرد که نیروهای راکنار بگذارد که با کمبود نیروی متخصص و ماهر مواجه نشود. بنابراین به برنامه ریزی همان واحد بستگی دارد و آن چیزی که مطرح بود و مسئولان وزارتخانه های تولیدی مخصوصاً صنایع سنگین که چنین کاری را انجام می دهد، اعلام کرده اند بیشتر نیروهایی را با خرید می کردند که دارای مهارت های بالا نبودند.

از میان دیگر رویدادها

* کیهان ۵ آبان - دکتر منصوری سرپرست مرکز

زکی یمنی برکنار شد

شیخ احمد زکی یمنی که به مدت ۲۴ سال وزیر نفت عربستان سعودی بود، هفته گذشته به دستور ملک فهد پادشاه سعودی برکنار شد و جای او را شیخ هشام ناشر گرفت که تا پیش از این، عهده دار مقام وزارت برنامه ریزی بود.

رسانه های گروهی غرب، دلیل برکناری یمنی را اختلافات وی با فهد ذکر کرده اند و افزوده اند شکست سیاست یمنی در رابطه با "جنگ قیمت ها" به این برکناری انجامید. سال گذشته عربستان سعودی با ابالایردن ناگهانی تولید نفت، در آغاز "جنگ قیمت ها" بهیم گردید. مطبوعات غربی یمنی را "بازنده قمار قیمت ها" لقب داده اند. بدنبال برکناری یمنی، بهای نفت در بازار جهانی یک الی دو دلار بالا رفت.

بحران در فیلیپین

خوان بونسو انریله، وزیر دفاع فیلیپین که در زمان حکومت فردیناند مارکوس نیز همین مقام را برعهده داشت، کورازون آکینو رئیس جمهور این کشور را متهم ساخت در مذاکرات با "ارتش نوین خلق" بیش از حد انعطاف نشان می دهد. موضع گیری های مکرر انریله علیه آکینو، کابینه فیلیپین را دچار بحران کرده است. انریله خواهان مشی سخت تری در قبال جریتهای چپ گراست. طرفداران مارکوس دیکتاتور پیشین فیلیپین موقعیت را برای تشدید فعانیت های خود مناسب تشخیص داده میتینگی به هواداری از مارکوس برپا کردند. انریله وزیر دفاع در این میتینگ دست به سخنرانی زد. رسانه های گروهی غرب، به شایعانی بپیرامون احتمال وقوع کودتا در فیلیپین دامن می زنند.

اخبار کوتاه

* چهارشنبه گذشته در لیما پایتخت پرو کارگران معادن این کشور دست به تظاهرات در برابر ساختمان وزارت اقتصاد پرو زدند. کارگران علیه بسته شدن معادن و عدم وجود تامین اجتماعی اعتراض کردند. گروهی از این کارگران، بیش از ۳۰ ماه است که در لیما به سر می برند تا با اقدامات مختلف از حقوق خود دفاع کنند.

* خبرگزاری افغانی باختر گزارش داد چندین باند ضد انقلابیون در نزدیکی کابل توسط نیروهای انقلاب متلاشی شدند. در این عملیات حدود ۱۰۰ موشک زمین به زمین، توپ، مهمات و اسنادی به دست آمد که حاکی از ارتباط اشرا با گروه های ضد انقلابی در خارج از افغانستان است.

* دولت بریتانیا ضمن طرح ادعای شرکت سوریه در توطئه برای انفجار یک هواپیمای مسافربری اسرائیلی که در فرودگاه لندن کشف شد، مناسبات دیپلماتیک خود را با سوریه قطع کرد. آمریکا و کانادا نیز سفرای خود را از دمشق فراخواندند. کشورهای عضو بازار مشترک اروپا از پیوستن به اقدامات علیه سوریه خودداری ورزیدند. دولت سوریه اتهامات وارده را رد کرده است.

بورس پلیس به دانشگاه سئول

برتاب می شد، وارد ساختمانهای اشغال شده گردیدند و دانشجویان را بازداشت کردند. دانشجویان از سه شبه گذشته در اعتراض به رژیم سرکوبگر سئول و نقش آمریکا در کره جنوبی، دانشگاه را در اشغال خود داشتند. در این اقدام اعتراضی دانشجویان، ۲ هزار نفر شرکت کردند. مزدوران رژیم، به مدت سه روز با محاصره ساختمان های دانشگاه از رساندن آب و غذای متخصصین جلوگیری نمودند. عکس، بازداشت دانشجویان معترض را توسط افراد پلیس نشان می دهد.

پلیس ضد شورش دیکتاتوری آمریکایی چون دوهوان در کره جنوبی، جمعه گذشته با یورش به دانشگاه "کنکوک" سئول و مجروح ساختن دهها دانشجو، به اشغال چهار ساختمان این دانشگاه توسط دانشجویان پایان داد و نزدیک به ۱۵۰ تن از آنان را دستگیر کرد. این بازداشت جمعی، گسترده ترین عملیات دستگیری از ۱۹۸۰ بدین سو بود. صبح روز جمعه، هشت هزار تن از نفرات پلیس با استفاده از گاز اشک آور که با هلی کوپتر به روی دانشجویان



پوشش آواکس برای کشورهای عربی خلیج

الملاعاتی که این هواپیماهای جاسوسی کسب می کنند، بدون اجازه آمریکا نباید به کشور سومی داده شود. هفته نامه یاد شده می افزاید ایالات متحده نظر موافق خود را با استفاده کشورهای عضو شورای همکاری خلیج از اطلاعات آواکس های عربستان سعودی ایران کرده است.

اخیرا شیخ نشین های کرانه جنوبی خلیج فارس از خطراتی که ادامه جنگ ایران و عراق متوجه آنها می سازد، اظهار تکرانی نموده اند.

هفته نامه انگلیسی "جینز دیفنس ویکلی" گزارش داد اجلاس سران کشورهای عربی عضو شورای همکاری خلیج (عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و عمان) که روز دوم نوامبر در ابوظبی آغاز شد، از آمریکا خواهد خواست اجازه دهد پوشش اکتشافاتی چهار هواپیمای آواکس عربستان سعودی به سایر کشورهای عضو این شورا گسترش یابد. طبق قرارداد خرید هواپیماهای آواکس،

زد و خورد های خونین در صیدا

نیروهای لبنانی، مخالف حضور نظامی نیروهای طرفدار عرفات در جنوب لبنان هستند. کمال جنبلاط رهبر حزب سوسیالیست ترقیخواه و شبه نظامیان دروزی در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت یک نیروی ۲۵۰ نفره مشترک از افراد دروزی، امل، حزب کمونیست لبنان و حزب بعث طرفدار سوریه تشکیل شده است. جنبلاط عرفات را متهم ساخت با ایجاد درگیری در صور و صیدا قصد دارد زمین را برای بازگشت خود به جنوب لبنان آماده سازد. وی افزود در صورت بازگشت عرفات به جنوب لبنان، این کشور و سوریه در معرض خطر ماجراجویی های نظامی جدید اسرائیل قرار خواهند گرفت.

در هفته گذشته نیز لبنان همچنان شاهد ادامه زد و خورد های خونین مسلحانه میان افراد سازمان شیعه امل و نیروهای طرفدار باس عرفات بود. بدنبال درگیریهای رشیدیه واقع در حومه بندر صور، که در شماره گذشته "اکثریت" خبر آن درج گردید، در شهر بندری صیدا واقع در جنوب لبنان نبردهای سختی میان شبه نظامیان امل و فلسطینی ها رخ داد که به کشته شدن ۲۷ تن و مجروح گردیدن دهها نفر انجامید. همچنین در سایر نقاط جنوب لبنان و نیز در بیروت افراد امل و طرفداران عرفات درگیر زد و خورد هایی شدند. تا روز جمعه گذشته، شمار قربانیان این زد و خورد ها (از آغاز هفته بدین سو) به ۴۷ نفر رسید.

طرح دخالت ترکیه و پنتاگون در جنگ ایران و عراق

مرگ بر جنگ، مرگ بر اختناق!

در روزهای پایانی اکتبر، به همت جوانان پیشکام ایران - فرانسه، لیگ دانشجویان عراقی در فرانسه، سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در فرانسه، جوانان کمونیست شیلی - فرانسه و اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه، طوماری در اعتراض به ادامه جنگ و اختناق در ایران و عراق تهیه و به امضای بیش از پانصد تن از دانشجویان مثرقی و صلحدوست رسید.

در این طومار آمده است: "رژیم های ضددمکراتیک، در ایران و عراق از جنگ به عنوان بهانه ای برای پیش برد روش های سیستماتیک تروریستی - اعدام های دسته جمعی، شکنجه های بربرمنشانه و نابودی دهها هزار انسان در دو کشور - استفاده کرده اند.

ما سازمانهای امضا کننده، از شما دعوت می کنیم با امضای این طومار، از خواست های ایران و عراق برای قطع فوری جنگ ایران و عراق، برای یک صلح عادلانه و پایدار،

- آزادی برای تمام زندانیان سیاسی ایران و عراق،

- برقراری دمکراسی و تضمین حقوق دمکراتیک در ایران و عراق، حمایت کنید."

کرده اند. بهانه جدید برای ساختن انواع و اقسام "سناریوهای مداخله"، این بار نیز در ارتباط با تشدید تشنج و درگیری میان ایران و عراق است. بهره برداری گسترده آمریکا از گسترش عملیات جنگی به خلیج فارس، نشان داد واشنگتن این گونه بهانه ها را "بیلا استفاده" نمی گذارد. با طرح امکان حمله جدید جمهوری اسلامی به شمال عراق، ژنرالهای متحد آمریکا در آنکارا به فکر ادعای قدیمی در مورد کرکوک افتاده اند، و یا به عبارت دقیق تر، اربابان آمریکاییشان آن ها را به این فکر انداخته اند. آیا "سناریو"یی که اجرای آن در خلیج فارس، آن همه به سود آمریکا تمام شد، در جبهه شمال تکرار می شود؟ آیا بار دیگر جنون جنگ طلبی خمینی مستقیماً و بلاواسطه در خدمت منافع استراتژیک و نظامی آمریکا قرار می گیرد؟ رژیم ولایت فقیه قبلاً اعلام داشته بود که برای سرنگونی صدام، آلترناتیو آمریکایی را می پذیرد. تنها با جلوگیری از گسترش جدید در جبهه ماست که می توان خیال پردازی های آمریکا و ژنرال های ترک را نیز نقش بر آب ساخت.

لس آنجلس تایمز می افزاید اپوزیسیون ترکیه این "سناریو" را دست بخت ایالات متحده خوانده است، سناریویی که در صورت اجرای آن، نیروهای آمریکایی در ترکیه حضور دایمی خواهند یافت.

هر چند شوینست های ترک - که نسبت به میدان های نفتی شمال عراق دعوی دیرینه ای دارند - و ماجراجویان آمریکایی حامی آن ها در ساختن و پرداختن این "سناریو" به فانتزی و قوه تخیله خود میدان فراخی داده اند، حملات مکرر ارتش ناتوی آنکارا به کردستان عراق نشان می دهد نقشه هایی از این دست، هر چند بسیار بلند پروازانه هم باشند، مبنا و زمینه ای واقعی دارند.

در بیش از شش سالی که از آغاز جنگ ایران و عراق می گذرد، آمریکا بارها به بهانه "به خطر افتادن جریان نفت" در خلیج فارس حضور نظامی خود را - عمدتاً به شکل اعزام ناوهای جنگی - در این منطقه افزایش داده است. به نظرمی رسد نظامی گران بنتاگون منفذ جدیدی برای ارضای تمایل جنون آمیزشان به ماجراجویی های نظامی کشف

مطبوعات ترکیه به دنبال ادعای جمهوری اسلامی مبنی بر انجام عملیاتی علیه تاسیسات نفتی کرکوک، اخبار و گزارش هایی حاکی از "تکرانی محافل دیپلماتیک و سیاسی آنکارا" درج کردند. در شماره گذشته "اکثریت" طی مقاله ای درباره درگیری مرزی ایران و ترکیه به این تبلیغات اشاره کردیم.

روزنامه آمریکایی لس آنجلس تایمز در شماره شنبه اول نوامبر خود می نویسد در آنکارا "سناریو"یی پیرامون تحولات آتی جنگ ایران و عراق مورد بحث قرار گرفته است و این "سناریو" را چنین شرح می دهد:

۱- تهاجم آتی ایران خط دفاعی عراق را درهم می شکند.
۲- ترکیه برای تصرف کرکوک پیش از فرارسیدن نیروهای ایرانی وارد خاک عراق می شود.

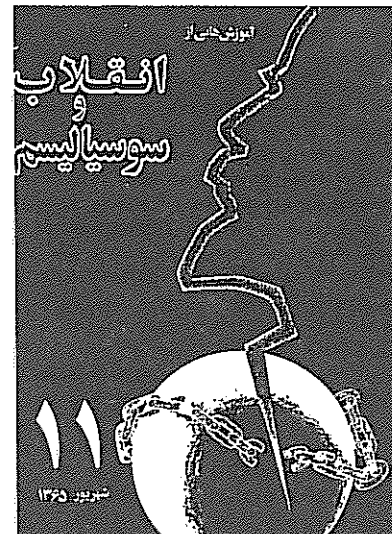
۳- اتحاد شوروی ترکیه را تهدید می کند.

۴- ایالات متحده ظاهراً برای دفاع از ترک ها، اما در واقع برای حمایت از پیش دستی آن ها در تصرف کرکوک و دستیابی به نفت کرکوک برای غرب، نیروی واکنش سریع خود را اعزام می دارد."

منتشر شد:

شماره ۱۱ "آموزش هایی از انقلاب و سوسیالیسم" پس از مدتی تاخیر انتشار یافت. در این شماره مطالب زیر به چاپ رسیده است:

- فرارویش انقلاب دمکراتیک به انقلاب سوسیالیستی
- استراتژی اتحادها، طبقاتی
- آیدئولوژی طبقه پالنده
- ترکیه، اسلام و مبارزه سیاسی
- مبارزکرد، انقلاب و اصلاحات در رشد ملی کشورهای خاور



برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك (و یا معادل آن "کوین بین المللی پستی")

به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه "کار":	بهای اشتراك نشریه "اکثریت":
مارك ۱۳	۱۱	<input type="checkbox"/> شش ماهه	<input type="checkbox"/> يك ساله
۲۴	۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه "اکثریت":	بهای اشتراك نشریه "کار":
مارك ۳۰	۲۷	<input type="checkbox"/> سه ماهه	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۵۸	۵۲		<input type="checkbox"/> يك ساله
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 131
MONDAY NOV 3.86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFAÇH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 0291070J - 650
DR. GERTRAUD ARTNER